

اُمسیر

در امریکانته

\$1.50

شمارهٔ بیستم /سال بیست چهارم / دوشنبه ۲۴ حوت ۱۳۹۴ / ۱۴ مارچ ۲۰۱۶ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۱۵

به استقبال از نوروز پیروز و آمدن بهار

آمد بشکوه از فراق و فصالی همی کنم
قالب تهی به پای غزالی همی کنم
صد جان فدای باد شمالی همی کنم
بر روی سبزه رفع ملالی همی کنم

(از بهاریهٔ زیبای شادروان الحاج سیدامیر انصاری (رح)، غزل کامل درصفحات داخل)

مظاهرهٔ بستگان سربازان اسیرشده در فاریاب



۱۲مارچ/کابل -بی بی سی: دهها نفر از بستگان سربازانیکه درماه قوس (آذر) امسال بعدازفروداضطراری هلیکوپترشان درمنطقه تحت کنترل طالبان اسیر شدند،امروز خواستاررهایی فرزندانشان شدند. وابستگان ۳سربازاسیرشده مدت ۸روز است که درپارک شهرنوکابل خیمه تحصن برپا کرده خواستاررهایی بستگانشان هستند. آنان برای دومین بار دریک تجمع اعتراضی کفن برتن کردند وخواستار رهایی سربازان ارتش توسط مقامهای دولت وحدت ملی شدند. مادر یکی ازین سربازان به خبرنگاران گفت پسرش عضو ارتش بود و سه ماه و نیم است که اسیرطالبان شده است. اوبه تلاشهای مقامهای دولتی منتقد بود و گفت پسرم بااسلحه ولباس نظامی درصف نبرداسیرشده؛ ولی درین مدت دولت برای رهایی این سرباز اقدام لازم را انجام نداده‌است. مادر این سرباز ارتش گفت اودرین مدت بافقر وییچارگی زندگی کرده و برای گذراندن زندگی از مردم پول قرض گرفته است.

یکی دیگر از معترضان که برادرش اسیرطالبان است، نیز میگوید مدت ۱۸ روز است در پارک شهرنو دست به تحصن زده است. او گفت:دولت در ابتدا گفته بودشما از طالبان بخواهید که خواست آنان برای رهایی این افراد چیست؟ بعد مقامهای دولت گفتند نماینده گروه طالبان را بیاورید و بعد گفتند از گروه طالبان عکس بیاورید. برادر سرباز اسیر از تلاش دولت برای رهایی این سربازان انتقاد کرده گفت وضعیت جسمی سربازان نیز خوب نیست. این معترض میگوید بستگان به این دلیل کفن پوشیده‌اند که دولت اول آنها را بکشد، زیرا تحمل دیدن جنازه سربازان را ندارند.

چندی قبل نیز بستگان این سربازان در کابل تجمع اعتراضی بر پا کرده بودند و گفتندطالبان میخواهدیک فرمانده شان دربدل رهایی این سربازان رها شود. گفته میشودطالبان خواستار رهایی صلاح‌الدین والی خودخوانده خود درولایت فاریاب هستند که چند ماه قبل توسط نیروهای امنیتی افغان باز داشته شده بود. در حالی که وزارت دفاع شمار اسیران را ۱۶ نفر اعلام کرده‌بود، ولی معترضان شمار آنها را ۱۳ نفر می‌گویند .

ظاهر قدیر نایب اول مجلس نمایندگان شد

۱۲مارچ/کابل -بی بی سی: مجلس نمایندگان در دومین هفته از آغاز سال ششم کاری خود، عبدالظاهر قدیر نایب دورقلمی مجلس را مجددا انتخاب کرد. در نشست امروز، عبدالظاهر قدیر وهمایون همایون برای کرسی نایب اول مجلس با هم رقابت کردندوقد برپا کسب ۱۲۸رای موفق شد تا کرسی نایب اول را احراز کند وهمایون نیز با به دست آوردن ۳۶رای از راهبایی به این سمت محروم شد. برای نایب دوم نیز هیچیک از نامزدهاموفق به گرفتن رای لازم نشد و رقابت برای مشخص شدن نایب دوم میان نعمت الله غفاری و محمد نذیراحمدزی برای جلسه بعدی مجلس موکول شد. در نشستهای قبلی عبدالروف انعامی بعنوان منشی وعرفان الله عرفان بعنوان نایب منشی مجلس انتخاب شده بودند.

ظاهر قدیر، از چهره های بانفوذ سیاسی در شرق افغانستان است.او در یک سال گذشته همواره از منتقد اقدامات نیروهای امنیتی افغانستان و دولت مرکزی در مقابل نیروهای موسوم به دولت اسلامی (داعش) در ولایت ننگرهار بود. در یک اقدام بی سابقه در دسمبر گذشته، مقامهای محلی اعلام کردند که نیروهای شبه نظامی محلی وابسته به ظاهر قدیر ۵جنگجوی داعش را درین ولسوالی سر بریدند. او در مورد سر بریدن ۵عضو داعش به بی بی سی گفت: شماچه فکر میکنید، شمارا سر برند، کودک شما را سر برند، شما برایشان حلاوا پخته می کنید؟ در جنگ حلاوا تقسیم نمی‌شود، در جنگ کشته می‌شوند. آقای قدیر به عنوان یکی از منتقدان صریح اللهجه حکومت مرکزی شناخته شده است. آقای قدیر پسر حاجی عبدالقدیر فرمانده فقید مجاهدین سابق در ولایت ننگرهار است که ۱۴سال پیش و زمانیکه وزیر فواید عامه و معاون رئیس جمهور کرزى بود، در کابل ترور شد .

وقت گفت‌گوهایی صلح با طالبان معلوم نیست

۱۲مارچ/کابل -نور تی وی: سخنگوی ریاست جمهور گفت روند گفت گو های صلح بسیار پیچیده است ووقت دقیق آغاز این گفت گوها به همین دلیل مشخص شده نمیتواند. قرار بود در اوایل این ماه میلادی گفت گوهای رو در رو صلح میان حکومت و گروه های طالبان آغاز شود. اما بعد از اعلام عدم اشتراک طالبان در آن به تعویق افتاده است.

سیدظفر هاشمی افرو در نشستهای چهارجانبه کشورهای اشتراک کننده به تعهدات دست یافته اند و باید این کشورها به تعهدات خود در زمینه آغاز گفت گوهای صلح عمل کنند. افغانستان به تعهداتی که در نشستهای گروه هماهنگی چهارجانبه داده بود، عمل کرده است .

افغان مینی مارکیت عرضه کننده

انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی در منطقهٔ واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبیت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با

Western Union

6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150

Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

مبارز : حریف روسی ام دو دقیقه تاب نیاورد



۱۲ مارچ /مسکو- صدای امریکا:

بازمحمد مبارز، یکی ازقهرمانان

ورزش زرمی مختلط یا Mix

Martial Arts درافغانستان ساعتی

پیش توانست حریف روسی اش

امیر ستاروف را کمتر دراز دودقیقه

نخست روند اول یک رقابت

دیدنی شکست دهد .

مبارز گفت در حدود ۱۲هزار تماشاجی که ۲۵۰۰شهروندافغان نیز شامل آن بود در شهر مسکو برای تماشای مسابقه حضوربهم رسانیده بودند. او گفت این بردش را به گونهٔ تحفه به نیروهای امنیتی افغان و بویژه پلیس ملی تقدیم میکند. مبارز گفت که آرزو دارد تا تمامی افغانها حمایت و خرسندی را از این دست آورد او اظهار داشته و تصاویر شان را در صفحات اجتماعی نشر کنند .

دستوربررسی مجدد پرونده قتل فرخنده صادرشد

۱۱مارچ/کابل -بی بی سی:رئیس جمهوربا صدور حکمی از سرپرست جدید دادستانی خواست پرونده قتل فرخنده ملکزاده و احکام صادرشده برای مجرمان این پرونده را بازنگری کند.این دستوردرپی شکایت‌های مطرح‌شده از روند دادرسی و صدور احکام متهمان این حادثه صادر شده است.

فرخنده یکسال پیش درمرکز کابل، در زیر ضربات مشت و لگد(نا)مردان خشمگین که او را متهم به سوزاندن قرآن کرده بودند، کشته شد.این افرادبعد از کشتن فرخنده، جسد او را آتش زدند. شماری از متهمان حادثه بازداشت شدند و چهارنفر آنها در دادگاه ابتدایی به اعدام محکوم شدند. اما دادگاه استیناف (تجدید نظر) حکم تمام ۱۳ متهم غیرنظامی پرونده را کاهش دادو از جمله حکم اعدام چهار متهم ردیف اول را به حبس های میان‌مدت و درازمدت تغییر داد.

این تصمیم دادگاه استیناف با واکنش منفی فعالان و نهادهای مدافع حقوق بشر در افغانستان روبرو شد. با اینحال سه‌شنبه گذشته گزارش‌هایی در مورد تأیید رای دادگاه استیناف در مورد متهمان غیرنظامی این پرونده در دادگاه عالی منتشر شد.

ثریابصحرنگ عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر میگوید روند رسیدگی به این پرونده در دادگاه‌های ابتدایی و استیناف عادلانه نبود و این پرونده نیاز به بازنگری کلی دارد. عدم مطابقت احکام صادرشده با جرم متهمان و همچنین صدور حکم دستجمعی برای ۱۷ نفر از متهمان را از دلایل ناعادلانه بودن روند این دادرسی عنوان کرد. درین پرونده خلاه‌های تحقیقاتی وجود داردودر زمان برگزاری دادگاه‌های ابتدایی و استیناف، فاصله لازم در نظر گرفته نشده است. وی تصمیم دادگاه استیناف را عجولانه خواند که دوازدهم خبرنگاران گرفته شده است. کمتر ازدو ماه پیش نیز سازمان دیدبان حقوق بشر با انتشار گزارشی، از عملکرد حکومت و دستگاه قضایی افغانستان در محاکمه متهمان قتل فرخنده ملکزاده انتقاد کرد و آنرا ناقص وچالش‌برانگیز خواند.

چندروز پیش، خانواده فرخنده ملکزاده که گفته می‌شود به دلایل امنیتی به تاجیکستان نقل مکان کرده‌اند، از روند رسیدگی به پرونده قتل دخترشان انتقاد کرده گفتند دادگاه‌های ابتدایی و استیناف با این ماجرا بر خور دسیلفه‌ای کرده‌اند .

از شهادت عبدالعلی مزاری در تجلیل شد

۱۱مارچ/کابل -نور تی وی: از بیست و یکمین سالگرد شهادت عبدالعلی مزاری رهبر حزب وحدت اسلامی در کابل گرامی داشت شد. سخنرانان در این مراسم شهیدمزاری را انسان عدالتخواه میدانند. محمد سرور دانش معاون دوم ریاست جمهور گفت استادمزاری انسان عدالتخواه و علم پرور بود و همیشه برای ترقی و آبادی کشور فکر می کرد.

عبدالعلی مزاری ۲۱ سال پیش از سوی طالبان به شهادت رسید. از سالگرد استاد مزاری همه ساله در مرکز و شماری از ولایتها گرامیداشت می شود.

نگرانی مسئولین از کاهش تشکیل پلیس در غزنی

۱۱مارچ/کابل -نور تی وی: مسئولان امنیتی در غزنی از کاهش تشکیل پلیس ملی درین ولایت سخت نگران اند و هشدار میدهند اگر تشکیل پلیس ملی در غزنی افزایش نیابد این ولایت به سرنوشت قندز رو به رو خواهد شد. امین الله امرخیل فرمانده پلیس غزنی با ابراز نگرانی میگوید درین اواخر وزارت داخله بدون مشوره مسئولان امنیتی غزنی تشکیل پلیس ملی را درین ولایت کاهش داده است. فرمانده پلیس غزنی، این تصمیم وزارت امور داخله را برای امنیت غزنی سخت نگران کننده میدانند و میگو بدیشتر ولسوالیهای غزنی با مرکز تا دو صد کیلومتر فاصله دارد و اگر تشکیل پلیس ملی در غزنی افزایش نیابد، این ولایت با خطر سقوط مواجه خواهد شد. شماری از اعضای شورای ولایتی غزنی نیز میگویند هم اکنون تشکیل پلیس ملی در غزنی به اندازه ولایت‌های درجه دوم نیز نیست. حسن رضا یوسفی عضو شورای ولایتی غزنی میگوید اگر تشکیل پلیس ملی در غزنی دوباره افزایش نیابد اعتراضات شدید مدنی را در غزنی و حتا کابل راه اندازی خواهند کرد.

غزنی از ولایت‌های آسیب پذیر از لحاظ امنیتی بشمار میرود و بخاطر هم مرز بودن با ولایت‌های جنوبی همواره با تهدید مخالفان مسلح دولت رو برو بوده است.

انفجار انتحاری در نزدیک ارگ

۹مارچ/کابل -نور تی وی:عصر روز چهارشنبه یک انفجار انتحاری در نزدیک ارگ رخ داد که به کسی آسیب نرسید و تنها مهاجم ازین رقت. مهاجم قصد ورود به ساختمان اداره امور را داشته که از سوی پلیس شناسایی و دستور توقف داده شد. پس از آن مهاجم امواد همراش را انفجار داد و تنها خودش ازین رقت.

چند روز پیش در یک حمله انتحاری مقابل ساختمان وزارت دفاع ملی ۱۲ تن بشمول دوسر بازارتش کشته و ۳ تن زخمی شدند .

پروفیسر داکتر حمیدهادی کرو لایناى شمالی دفاع از زنان و دختران بیگناه به مناسبت روزجهانی زن ماه مارچ مصادف باآمدن بهار، سال نو ونوروزفارسی زبانان است. درین ماه طراوت بهار، رویدن گل ولاله و آوازخوانی مرغان قشنگ کیفیت عجیبی به این فصل میبخشد. بهارزیا ونوروزدوست داشتنی اش که بگفتت حضرت یدیل (ازپرتاووس دامن در کمر دارد بهار)، بامعنی بزرگی که عنعنات یش ازهزارساله اش رادرخود پیچانده است، باردیگر مردم را ازمعنی زندگی، زیبایى حیات و فلسفهٔ عمیق طبیعت آگاه میسازد. بهار چون مرورایدی ازدل صدف بیرون می جهلو چون مناجات حضرت خواجه عبدالله انصاری، پیر هرات باستان، انسان را قدم بقدم ازخلقت ورموزپیدایش آن بسوی خالق کاینات میبرد.

درین موسم است که حیوانات ازخواب زمستانی بیدار میشوند، پندک های گلهها باز میشوند، شاخچه هاوندده میزنند وزمین از نعمت باران که آب آن ازمین بحر ها بهترین عناصر حیانی را باخود در سطح بحر آورده وبعلاا تبخیر شدن چون آبی بهتر از همه آنها نباتات، حیوانات وانسانها را رشد وانکشاف جسمی ودماغی شان مدد می بخشد، بر خور دار میشوند. گویى ابر و باد ومه وخورشید همه دست بدست هم میدهند تا این فرمول مقدر شده را در نظم نگهدارند. هر سال یکبار موسم بهار بشريت را از تجربهٔ تلخ زمستان وشبهای سرد تار یک یاد آور میشود واورا بسوی زندگی جدید، تحرک برای بقا، وافکار بهتر و کردار بهتر نظریه یارینه رهنمونی میکنداز سال بهتری مژده میدهد، اما انسان سرکش وطغیانگر گوش به حرف طبیعت نمی دهد!

در همین فصل بهار مردم در هر گوشهٔ زمین، هر کدام نظریه سطح برداشت وفهم شان روزی رابنام روز زن تخصیص داده واز آن تجلیل میکنند. مقصدازین تجلیل آنست تااز فداکاریها، خدمات وجانفشانی های مهمترین وشریف ترین طبقهٔ اجتماع سیاسگزاری کنند. این تجلیل ازعناصریست که باجنباندن گهوارهٔ نوزاد و تریهٔ فرزندان، آیندهٔ جهان راتغییر میدهند ومحو ر خانواده هارا در جامعهٔ انسانی پیریزی میکنند. باکمال تأسف امروز درقرن ۲۱، باوجود بلندرفتن سطح دانش بشر و پیشرفت محیر العقول تکنالوژی وساینس، زنان ودختران درا کثر کشورهای جهان ازجملهٔ محروم ترین ومظلوم ترین طبقات اجتماع بشمار می روند. درین موردمیخواهم ازچندجهت صحبت کنم :

بر اساس طبیعت یاخلقت موجودات عالم ازقبیل انسانها، حیوانات و حتی نباتات از اجتماعات، گروهها، خانواده هاو افراد تشکیل یافته اند. درمورد اینکه آیا اجتماع مهم است یا اینکه فرد درسرنوشت جوامع بشری نقش برانزنده دارد، مناقشات ونظریات مختلف وجود دارد. طورمثال درفلسفهٔ ارسطوی یونانی یا طرز فکرهیگل، اجتماع نظریه فرد اهمیت بیشتر دارد، اما فلسفهٔ افلاطون یونانی و ژان ژاک روسی فرانسوی بیشتر فرد رادر جامعه حایز اهمیت میدانند. این تفریق از نظر فلسفهٔ زندگی هر کشور وقانون آن سرزمین بسیار دلچسپ ومهم می باشد، واگرتوجه کافی نشود وطورمثال وقتی سیاست ودین باهم امتزاج نمایند، ارزش واحدا اجتماع یعنی اهمیت فرد صدمه دیده و سلب آزادی آن عواقب وخیمی رادری خواهدداشت. درین زمینه یعنی اهمیت اجتماع یافرد، توجهٔ مریشتتر طرز تفکر افلاطون ونوشته های ژان ژاک روسو جلب نموده است.

افلاطون عقیده دارد که برای شناخت جامعه بایدبه کنه فردی برد. اومی گوید که جامعهٔ خراب مولودسیاست واجتماع خراب نیست، بلکه انعکاس دهندهٔ کر کثر افرادآن میباشد. فیلسوف فرانسوی ژان ژاک روسو درفلسفهٔ دمو کراتیک خوداظهار میدارد که حاکمیت دراجتماع باید بدست افراد باشد. وی عقیده دارد که دولت براساس قرارداد اجتماعی یا social contractتجنا یافته که هدف آن مصونیت وبهبود عمومی افراد جامعه میباشد .

بر اساس همین فلسفه هاست که افراد اجتماع مساوی وآزاد خلق شده اند و هیچگاه نبایدبه زنجیراسارت وغلامی کشیده شوند. قرآن مقدس ماهم این فلسفه راتاید میکند که انسانها درخلقت مساوی و برابرندو تفریق یک فرد از دیگری تنها براساس تقوا وفضیلت میباشد. یعنی مرد و زن بیحت افراد اجتماع مساوی خلق شده اند، پس چرا در اجتماعات امروزی خصوصاً درافغانستان سبیه روز زنان دراسارت فریقی وروحی قرار دارند؟ آیا پیشآمد به مقابل زنان ودختران جنایت نیست؟ چندمثال محلود را خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم میکنم : در گذشته های دور اعراب وحشی دختران رازنده بگور میکردند ومصری ها برای ازدیدا وبهودآب در بای نیل دختری زیبا وجوان را آرایش نموده و لباس زیبا بر تنش کرده بیحت قربانی طعمهٔ امواج نیل میکردند. در کشور پهناور هندوستان باتولد دختر در خانواده مجلس ماتم وسوگواری بیامیشود. درین کشور قبل ازنامزدی پسری بادختری بایدخانوادهٔ دختر به خانوادهٔ پسر پول پیردازدتا پسر دختر شانرا به عقد نکاح در آورد ! حتی امروز وقتی خانم هندوستانی حامله گردد شوهرش اورا نزددا کتر آورد تقاضای معاینهٔ اولتراسوند ultrasound مینماید تا جنس طفل درداخل رحم تعیین گردد. اگر معاینه نشان دهد که طفل پسر است به حاملگی ادامه میدهند، درصورت دختریودن طفل، شوهر تقاضای سقط جنین میکند زیرانزد آنهاداشت دختر افتخاری نیست ! انسان متجسس می شود که بداند چرا در یک کشور دمو کراتیک ویرو قانون، این چنین بدعتی وجود دارد؟ چرا درمهد برهنن وفلسفهٔ تعدد وضدخرافات آن این چنین بی عدالتی درمورد ارزش زنان در اجتماع دیده میشود ؟

در جنگهای صلیبی که صدهاهزار انسان زندگی خود را زدست دادند، بکعبهٔ کتیری زنان ودختران جوان واطفال بودند. این جنگها همه از طرف دین و کلیسا رهبری می شد . در طول تاریخ ظلم ویرحمی بمقابل زنان ودختران در دین یهود و مسیحیون بی اندازه بوده وشرا رب وظلم در برابر این طبقهٔ مظلوم به مراتب بیشتر از دین اسلام بود. اما این دو دین ابراهیمی موفق شدند برخلاف عقاید مذهبی خود، میزان این برحمی را کاهش دهند. در دین مقدس اسلام، حضرت خاتم النبیین (ص) تجدد و ریفورمی بی سابقهٔ را در ادیان ابراهیمی بوجود آورد. زنده بگور کردن دختران را منسوخ نمود وزن رادر اجتماع موقف مهم داد. اما با گذشت زمان تجدد و ریفورمی را که بیغمبر (ص) اسلام هدایت فرموده بود، در عمل پیاده نشد، سیاست بادین پیوست وعنعنات قبل از اسلام دوباره عقاید مردم راتاریک ساخت. ارزش زن در اجتماعی اسلامی در پهلوی دیگر یرحمی هاو بیعدالتی های اجتماعی نزول کرد وبنیاد خانواده را شکست. چون زن بیحت فرد در اجتماع متأثر گردید، شالودهٔ حکومت ها از هم پاشید . گروه وحشی طالبهای پاکستانی در حق زنان ودختران (دنباله در صفحهٔ ششم)

Omair Weekly
P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
mkqawi71@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمد قوی کوشان

فرهاد میرزا
اندل - ورجینیا
بادر نظر داشت آنچه در زعامت کشور ما می گذرد. در قسمت صلح احتمالی با طالب ها سخت مترصد باشیم !

ما که همیشه مینویسیم که این حکومت وحشت ملی بجایی نمیرسد، بخطر افتته ایم، گرچه هزارها فرسخ از کشور عزیز ما دوریم، اما خوشبختانه با انکشاف تکنالوژی امروزی از طریق رسانه های خبری، که متأسفانه اخیراً شکایاتی از سانسور شدن نشرات آنها از طرف ارگ و ارگ نشینان بگوش میرسد، از همه احوال و اخبار کشور مطلع میشویم.

یکی از خبرهای بسیار ناخوش آیندو نهایت تأسف آور، جنگ وجنگالهای ع وغ در تقسیم قدرت است که از آغاز این حکومت وحشت ملی تا بحال ادامه دارد، واین سبب شد که در پشتهای بسیار مهم وحساس اصلاً کسی مقرر نشود وتوسط سرپرستان اداره شوند، یائینکه اشخاص بی کفایت وغیر مسلکی تعیین شوند که هیچ کاری از پیش برده نتوانند.

این کشیدگی هاو جاروجنگالهای نیمورد از تقرر وزیر وسفیر ووالی شروع وتا آخرین ماموریتهای اداری میرسد که باید ع وغ افراد و اشخاص مربوط تیم خود ومربوط به قوم خود را، صرف نظر از اینکه چه اهلیت و کفایت وتجربه دارند، مقرر نمایند. گفته میشو داین مخالفتها در تعیین قوماندانهای اردو وپلیس وامنیت ملی از همه یشتراست واین امر سبب شده که اتحاد وهما هنگی، نظم ونسق و انضباط ودسیلین و فرمانبرداری واطاعت که در قوای نظامی وپلیس وامنیستی حایز اهمیت فوق العاده در جنگ بادشمن است، برهم بخورد وباعث مورال ضعیف قواء گردد ودر نتیجه دشمن نابکار به موفقیتهای بیشتری نایل شود.

متأسفانه طوریکه دیده میشود واقعاََ ع وغ چندان در جنگ قومگرایی برای احراز قدرت مشغول اند که جنگ واقعی بادشمنان افغانستان (طالبان) که از طرف پاکستان وقوای ستون پنج که گفته میشود در حکومت وحشت ملی نفوذ و قدرت بسزا دارد، به درجهٔ دوم قرار گرفته وطوریکه بایست بدان توجهی صورت نگیرد، وبلاستفاده ازین خلاء یابگویم بلاستفاده ازضعف وناتوانی و قومگرایی ما، چنانیکه رئیس قوای امنیت ملی امریکا هوشدار داده، این حکومت وحشت ملی به سقوط مواجه شده، بابعبارت دیگر ع وغ گورخود را بدست خود بکنند، که آرزوی همهٔ ماست ! وبه این قسم باز کشور عزیز ما به مشکلات غیرقابل تصویری مواجهه حتی اگر بخود ناییم منافع ملی و سلامت کشور را در نظر نگیریم و به قومگرایی های جاهلانهٔ خود ادامه بدهمیم، باور فرمایید امکان دوبرچگی وحتی چند بار چگی مانیز از امکان بعید نخواهد بود. بانکه از جنگ وجدالهای ع وغ در تقسیم قدرت تذ کردادیم، که شاید در آغاز کار چنان بوده باشد، اما درین اواخر به مشاهده میرسد که درین قدرت آزمایی ها (ع) میدان راباخته وروز بروز نام ونشان وقدرتش کمتر وکمتر شده وچنان به اصطلاح به حاشیه رانده شده که گویی اصلاً این حکومت وحشت ملی دوسره، یکسره شده باشد !!!

از تبصره های سیاسی، صدور فرامین وعملکردهای بسیار فعالةٔ غ که هر موضوعی بایدبه او گزارش یابدوهر کاری ولو کوچک هم باشد، به امر او اجرا شود وهر روز سرو کلهٔ او از هر تلویزیونی ظاهر گردد و به اصطلاح او یگانه سری باشد که حرف اول را بزند، چنین استنباط می شود که واقعاً این حکومت دوسره یکسره شده وع میدان راباخته وع براو فایق آمده است.

عدم اجرای اصلاحات انتخاباتی، عدم توزیع شناسنامهٔ الکترونیک، در حالیکه از شورا گزارش یافته واز طرف غ به امضا رسیده وقانوناً باید در اختیار مردم گذاشته شود، به تعویق انداختن ولسی جرگه که زمینه رابرای لویه جرگه مساعد ودر آن لویه جرگه در قانون اساسی، حکومت ریاستی به حکومت پارلمانی تبدیل وعبدالله بیحت صدراعظم از قدرت وصلاحتهای قانونی برخوردار شود، اینها همه میسراند که غ میخواهد یک تاز میدان باقی بماند ونمی خواهد حتی صلاحیت وقدرت غیر قانونی را که مخالف قانون اساسی، بنابر موافقتنامهٔ ایجاد حکومت وحشت ملی هردو کسب کرده اند، باهمتای سیاسی خود شریک سازد .

اگر بخاطر داشته باشیم، غ در آغاز این حکومت وحشت ملی بارفتنش به پاکستان بدون مشوره با ع ونمایندگان ملت وبدون در نظر داشت پروتو کول سیاسی معمول وحیثیت مقام ریاست جمهور، باصدراعظم، نظامیان وآی اس آی پاکستان مذاکرات مرموز وپشت پرده انجام داد، واینکه درین مذاکراتش با پاکستان چه گفت وتاچه حذبیه موافقت هایی نایل آمد، متأسفانه تا این زمان که تقریباً یک ونیم سال از آن میگذرد، هم از مردم کشور هم از همتای سیاسی اش ع پوشیده مانده است. اما از تحولات ورویدادهای ناهنجاریکه بعد از برگشتش از پاکستان در حمرات وتا کنیکهای جنگ طالب به کشور ما به مشاهده رسید که تا امروز جریان دارد، چنین مینماید که او با شتابه وخطای بزرگی رامر تکب شده ویائینکه خوش برضا متلیکه همیشه از طالبها حتی در آوان حکومت کمرزی طرفداری میکرد، باز هم به آنها خوشبین است، وباهم شاید بنابر تحمیل فشاری (که ابدا باید برخلاف منافع ملی کشورش موقف نمی گرفت)، قبول کرده پلان هایی را که پاکستان یا هم امریکا در منطقه و کشور ما دارد، در محل اجرا بگذارد .

البته مشکل است درین مورد نظر قاطع ارائه کرد، اما از جهت گیری او به نفع طالبان مثل تسلیم دهی دند غوری به طالبان، که طالبان از آنجا موفقی به اشغال قندز شدندو همه دار و ندار ووسایل ووسایط حربی پیشرفتهٔ ما را باخود بردند، که فعلا مسئولیت این خیانت ملی رایکی بردوش دیگری اندازند، اما این روشن است ونمیتوان از آن انکار کرد که وزیر سرحدات وقبایل به امر ع وصلاحتی که به او داده بود، این قراردادنکنین را که دست کم از معاهدهٔ گندمک ندارد، با طالبها امضا کرد و دند غوری را که از لحاظ موقعیت جغرافیایی وستراتژی یک شایان اهمیت زیاد است، مفت و رایگان در اختیار طالبان گذاشت، و اگر وزیر سرحدات این خیانت ملی رابدون امر غ اجرا کرده باشد، چرا هنوز هم به کرسی اش باقیست و کوچکنین بر خور دقانون به او صورت نگرفته است،

– موافقت غ با عملیات مشترک دستگاه جاسوسی مخوف آی اس آی با دستگاه امنیت ملی افغانستان، که بشدت توسط نمایندگان ملت و مردم افغانستان رد شد ،

داکتر احسان انتظار مودستو – کالیفورنیا

در بارهٔ فرهنگ (۵)

آنچه گفته آمد تنها یک مثال آنچه طالبان در حق هزاره ها انجام دادند میباشد. طالبان این کار را در نقاط دیگر نیز انجام دادند، طورمثال، در مزار شریف طالبان هزاران هزاره را ا زدم تیغ کشیدند، نا گفته نباید گذاشت که هزارهانیزه کشتار طالبان قبلاً بر داخه بودند . قبل از ظهور طالبان در سال ۱۹۹۲، جنگهای شدیدی بین هزاره ها واهل تشیع از یک طرف وپشتونهای طرفدار عبدالرب رسول سیاف از طرف دیگر در غرب کابل رخ داد.

همچنان بر خوردهای شدید بین طالبان و تاجیکها صورت گرفت. یکی ازین بر خوردها در سال ۱۹۲۹ هنگامی به وقوع پیوست که محمدنادر به کمک انگلیس هزاران ملیشه های سمت جنوبی رابرای سقوط حکومت حبیب الله کلکانی بکابل ارسال کرد وبعداً بر کلکان محل تولد کلکانی حمله کردند. درین حمله صدهاتاجیک به قتل رسید، زنان آنها مثل دورهٔ عبدالرحن خان به کنیزی گرفته ویسمت جنوب انتقال داده شدند، پول نقد وزیورات وطلای مردم کلکان تاراج شد. بر خور دیگرین پشتونها و تاجیکها در زمان طالبان در سال ۱۹۹۶ انجام شد. طالبان مثل ملیشه های نادرخان، به شمالی حمله ور شدند، خانه، باغ وتاکستانهای مردم شمالی را ویران کردندو آنرا آتش زدند. اهالی محل مجبوره ترک خانه های شان گردیده در کابل و دیگر مناطق افغانستان حتی پاکستان مهاجر گردیدند.

در بر خوردها معمولاً یک قوم در مقابل قوم به جنگ نمی پردازند، طورمثال در سالهای ۱۹۹۵ که طالبان به تسخیر منطق جنوبی غرب، جنوب وشرق پرداختند، پشتونهای غلزایی محل از جنگ با طالبان خودداری کردند وطالبان این مناطق رابدون دادن تلفات اشغال کردند. جنگهای که در مقابل طالبان صورت گرفت اکثراً در مناطق غیر پشتوزبان در غرب (هرات)، کابل، مناطق مر کزی(هزاره جات)، شمال وشمال غرب کشور صورت گرفت. مجاهدین وقتی به میدان هوایی بگرام حمله کردند، کمونیستهای غیر پشتون به قوای قوماندان احمدشاه مسعود وافسران پشتون خود رابه قوای گلبدین حکمتیار تسلیم کردند.

– زمامداران افغانستان که اکثراً پشتون تبار ابدالی بودند، برای ماندن به قدرت، پشتونها وغیر پشتونها را برضد یکدیگر استعمال میکردند. تا کودتای ثور ۱۹۷۸ اکثریت صاحب منصبان اردو، پلیس واستخبارات پشتون بودند. زمام داران اینکار رابنابردو دلیل انجام میدادند: یکی برای جلوگیری از قدرت رسیدن غیر پشتونها، ودیگر در کنترل و جلوگیری از بغاوت وسرپیچی در مقابل دولت مرکزی. برای این منظور بیشتر به پشتونها فرصت شمولیت به مکنب حربی داده میشد و بعضی اقلیتها مثل هزاره، اوزبک، ترکمن وغیره از داخل شدن به این مکنب واکادمی پلیس محروم بودند. از همین لحاظ اکثر صاحبمنصبان زمان شاهی پشتوزبان بودند واز صاحب منصبان هزاره واوزبک وغیره خبری نبود. در قوای هوایی نیزوضع به همین منوال بود.

– کار دیگری که زمامداران پشتون تبار انجام میدادند، این بود که هیچ وقت قوماندان وافسران از یک تبار نمی بود. اگر افراد پشتون بودند، قوماندان همیشه تاجیک و یا یک اقلیت دیگر میبودند نه پشتون. بر عکس اگر افراد غیر پشتون می بودند، قوماندان همیشه پشتون بود. همچنان در صورت بروز شورش وسرکشی در مناطق پشتون نشین افراد اردوی غیر پشتون را ارسال میکردند...

– ستوال اینجاست که چرا اکثریت افراد اردو را غیر پشتونها با اقلیتها تشکیل میدادند؟ یک علت آن اینست که بعضی اقوام از کمکقت عسکری معاف بودند، زیر این این اقوام در قدرت رسانیدن نادر نقش اساسی داشتند. بعضی از این ملیشه ها با وجو دیسوادی جرنیل و کرنیل شدند، وهم معاش مستمری اخذ می کردند. دولت افراد پشکی غیر پشتون رادر مناطق پشتون و افراد پشکی پشتون را در مناطق غیر پشتون مستقر میساختند. دلیل آن هم طوریکه متذ کر شدیم، قوم پرستی افغانها میباشد که در برابر قوم به مقابله نمیدارند . از همین لحاظ قومگرایی یکی از مسایل جنجال برانگیز برای حکومت مر کزی افغانستان بوده است.

– در شرایط کنونی نیز این قوم پرستی جاروجنگالهایی رابرای حکومت غنی احمدزی در مقابله با طالبان خلق کرده است. قوماندان پشتون در حمله بر طالبان از تطل کار میگیرد. این کار در دهنهٔ غوری ولایت بغلان، شهر قندز، هیرمند، فاریاب ودیگرمناطق کشور حکمفرما میباشد. پشتونهای محل، طالبان راجامیدهند واز آنها حمایت میکنند. دولتمردان وقوماندانان پلیس وارذو از حمله بر طالبان خودداری وبه بهانهٔ نرساندن تلفات ملکی از حمله بر آنها می پرهیزند. چندماه قبل منگل وزیر سرحدات حکومت اشرف غنی مقاولهٔ کتبی راتجام داد که در آن قوای پلیس وارذو مداخله کرده نمی توانند. نتیجهٔ آن شد که پایه های برق وارداتی از کشور اوزبکستان را ویران کرده برق برای شهریان کابل رابرای سه هفته قطع کردند، مردم را در تاریکی قرار دادند .

– بعد از کودتای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ وحملهٔ شوروی بر افغانستان تغییرات مهم در ساختار اردو، پلیس واستخبارات کشور رخ داد، ودر رهبریت پلیس وارذو به تعداد غیر پشتون افزونی بعمل آمد که شامل قوم شریف هزاره، اوزبک وغیره نیز میگردد که در تاریخ افغانستان بی سابقه می باشد.

– پس از رسیدن مجاهدین به قدرت تعداد غیر پشتونها درین قوای امنیستی نسبت به دورهٔ کمونیست یشتتر شد. اینکه اکثر این جنرالان بی سواد بود، موضوع جداگانه است که در شرایط امروزی محاربه قابل قبول نیست.

– سیاست دیگری که زمامداران پشتون بکار میبردند، استفاده از پشتون های غیر ابدالی بود. آنها بر ابدالی ها اعتماد نمی کردند واز غلزایی برای حفاظت وقای قدرت کار میگرفتند وتاریخ افغانستان نشان میدهد که ابدالی هادر سر قدرت با هم جنگیدند، اینکار حتی درین یک خانوادهٔ بسر اقتدار نیز صورت میگرفت، یک دیگر را کور میکردندو حتی میکشتند. یکی ازین غلزایها که خاندان شاهی بدان اعتماد می کردند، ورد کی ها بودند که گاردشاهی وبعد گارد ریاست جمهوری داوودخان راتشکیل میدادند. ورد کی علاوه از آنکه قلدند وچهره های مقبول داشتند، با خاندان شاهی سخت وفادار بودند وابدأ فکر به قدرت رسیدن رادر سر نمی پروریدند. چنانچه ورد کی هاین وفاداری وصداقت در حملهٔ کمونیستها بر ارگ ریاست جمهوری ودفاع از خانوادهٔ داوودخان ودیگر محمدزایی ها ثابت ساختند وتا آخرین رمق از آن دفاع نمودند. همچنان تعدادی ورد کی هادر استخبارات نیز بنابر اعتمادی که بالای آنها بود، جایجا شده بودند.(صفحهٔ ششم)

افغان فونديشن تقديم می کند :

داکتر عزیز غوثی : تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

با سرنوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780

عبدالودود ظفری
المیدا - کالیفورنیا
اوباما در مسجد بالتیمور

خطاب به مسلمانان: شما تنها نیستند، دوستان امریکایی تان در کنار شما قرار دارند. خطاب به مسیحیان: تنوع و کثرتگرایی در امریکا سبب ضعف ما نبوده، بزرگترین توانایی ما میباشد. ما یک خانوادهٔ واحد امریکایی میباشیم، باهم عروج میکنیم و باهم سقوط می‌نماییم.

روزنامهٔ نیویارک تایمز گزارشی رازیر عنوان (اوباما در یک مسجد در دفاع از مسلمانان صحبت کرد) بقلم گاردنر هارس در شمارهٔ ۴ فروری ۲۰۱۶ خود به نشر سپرده است. برگردان فارسی آن پس از یک تبصره تقدیم میگردد. اوباما در هفت سال گذشته که در کرسی ریاست جمهوری امریکاقرار داشت، از کدام مسجد در امریکا دیدار نکرد و به نفع مسلمانان امریکا صحبتی نمود، زیرا ترس داشت که مخالفانش او را بخاطر داشتن نام (حسین) وبخاطر مسلمان بودن پدرش، چاپ مسلمان بودند بزند. ولی در سال اخیر دورهٔ زمامداریش آن هراس ها و ملاحظات را کنار گذاشت و مکنونات قلبی خود را در حضور جمعیتی مرکب از پیروان مذاهب مختلف در مسجد بالتیمور ایالت مریلند بیان داشت.

بارک حسین اوباما ۴۵ساله، چهل و چهارمین رئیس جمهور امریکااز یک پدر مسلمان کینایی ومادر عیسوی مذهب امریکایی بدنیآآمده است. در خانهٔ پدر ومادر بزرگ مادری نچندان مذهبی خود بزرگ شده تا درجهٔ داکتری در رشتهٔ حقوق به تحصیل پرداخته است. باداشتن کفایت وشایستگی به مقام ریاست جمهوری امریکابانایل شده است.

هنگامیکه اعمال ضدانسانی وضد اسلامی شماری از دهشت افگنان بنام مسلمان، افزایش قتل و کشتار طالبان، حقانی، داعش والقاعده، جهان را به بحران جدی مواجه ساخته، امنیت را برهم زده وهراس همگانی را گسترش داده و مسلمانان را در سراسر جهان بخصوص در امریکا و اروپا و استرالیا در حالت خیلی بدقرار داده، متعصبین وتندروان مسیحی و یهودی راعلیه مسلمانان برانگیخته، حضور اوباما در مسجد بالتیمور و دفاع از مسلمانان اهمیت خاصی دارد، ویاناتاش میتواند بر آتش خشم مردم آب باشد.

اخیرا حزب مردم دنمارک در برابر موعظهٔ امام مسجدشهر آغوس دنمارک، ابوبلال، که گفت: (زنانیکه به هسران خود خیانت میکنند، می بایست سنگسار شوند و یابراساس قوانین شرعیه شلاق زده شوند) ، خواهان بستن مسجدشده است. در عین زمان، وزیر مهاجرت دنمارک درواکش به گفتار امام اظهارنمود: (ما بلم مسجد را بچاک یکسان کنیم) وبه امام گفته است (هرچه زودتر چمدانهای خود را برای خروج از دنمارک ببندد). این جناب امام ابوبلال چرا در مورد مردانیکه به هسران شان خیانت میکنند، حکمی صادرنموده و تنها زنان رانشانه گرفته است؟

آقای اوباما باوجودیکه خود را یک عیسوی میخواند و از پدر مسلمانش زمانیکه فقط دوسال داشت، با گرفتن طلاق مادرش، جدانشد، با آنهم یقیناً از فرهنگ اسلامی چیزهایی در ضمیرش وجود دارد. دعوت مسلمانان برای افطار روزه به قصر سفید، سفر به کینیا زادگاه پدرش و سخنرانی در دانشگاه الازهر مصر و دعوت از پیروان دین اسلام به گفتگو وتعاطی نظر، ایجادفضای مشترک و احترام مقابل با پیروان ادیان دیگر، نشانهٔ همین امر میباشد. بارک حسین اوباما هم بحیث رئیس جمهور امریکا وهم بعداز آن بصفت یک دانشمند بانفوذ، میتواند همراه بادانشندان معتدل طرفدار همزیستی ادیان، به مشکلات وخصوصتهامیان ادیان را تقلیل دهند وبابرنامه های مؤثر جلوفراپایان اسلامی، عیسوی و یهودی را بگیرند، و زمینهٔ تفاهم رانه تنها میان ادیان برقرار کنند، بلکه باتلفیق تمدنهای شرق وغرب، از تشنجات کنونی جهانی بویژه در میان مسلمانان، عیسویان و یهودیان بکاهند.

اکنون درین حالات هیجانی، وظیفهٔ دانشمندان، علما ونظر به پردازان معتدل و صلح پسند میباشد که همراه باندیشمندان معتدل ادیان دیگر راههای علمی و عملی ایجاد فضای صلح آمیز وهمزبستی راجستجو بدارند وجهان را از شر افراط گرایان نجات بخشند.

برخی از مسلمانان بشمول مسلمانان افغانستان در گذشته وحال در برابر ادیان دیگر تحمل لازم نداشته اند. در زمان پادشاهی مرحوم محمد ظاهر ونخست وزیری مرحوم محمد موسی شفیق، یگانه جیل (نیایشگاه کوچک) مسیحیان که در کارته سه برای اعضای سفارتها و گردشگران خارجی اعمار شده بود، در اثر فشار تندروان مذهبی تخریب گردید، درحالیکه هزاران مسجد در کشورهای عیسوی و یهودی مذهب وجود داشت و دارد و هر سال به شمارشان تزیید بعمل می آید. مهاجرین افغانستان در امریکا و اروپا صاحب صدها مسجد میباشند. زمانی که عیسوی های افراطی چندماه پیش یک مسجد را به آتش کشیدند، یهودیان آنجا سنیگاک خود را برای عبادت مسلمانان پیشکش کردند!

در سالهای ۱۹۷۲-۱۹۷۵ در شهر مدینس ایالت وسکانسن، که یک شهر دانشگاهی میباشد وشمار دانشجویان خارجی بشمول مسلمانان به هزاران تن می رسید، دانشجویان مسلمان، نمازهای جمعه رادر کلیسای نزدیک محوطهٔ دانشگاه ادا میکردند. حالایک مرکز بزرگ اسلامی در آن شهر اعمار گردیده است.

اینک برگردان فارسی گزارش خدمت تقدیم می گردد:

رئیس جمهور اوباما بروز ۴شنبه سوم ماه فروری ۲۰۱۶، جامعهٔ مسلمان امریکا را (یک جزء خانوادهٔ امریکا خواند). وبصورت تلویحی کاندیدهای جمهور یخواه ریاست جمهوری را انتقاد نمود به شهروندان امریکا هوشدار داد که در برابر رفتار تعصب آمیز، تماشاچی نباشند. اوباما در دیدار از مرکز اسلامی بالتیمور که اولین دیداری به صفت رئیس جمهور از یک مسجد در امریکابود، آباتی راز قرآن تلاوت کرد ومسلمانان امریکا راستایش نمود وآنها را یک بخش عمدهٔ تاریخ امریکا و یک جزئیاتی آیندهٔ ملت تلقی کرد. او خطاب به عیسوی مذهبان امریکا که اکثریت مطلق نفوس را تشکیل میدهند، بیان داشت: (اگر مادر مورد آزادی دین جدی میباشیم، بایددرک کنیم که حمله بربیک عقیده حمله بر تمام عقاید ما میباشد.) اگر چه آقای اوباما از کاندیدان حزب جمهور یخواه ریاست جمهوری، مثل دونالد ترمپ نام نگرفت که خواهان منع مؤقتی ورود مسلمانان به امریکا میباشد، اظهار کرد: (ما باید سیاستهایی را رد کنیم که باتعصب و تبعیض مردم را بخاطر باور ودین شان هدف قرار میدهند).

سخنرانی در مسجد بالتیمور به تکمیل یبانهٔ صورت گرفت که آقای اوباما در سال ۲۰۰۹ در دانشگاه قاهره ایراد کرده بود، که در آن (از یک آغاز نو میان امریکا ومسلمانان سراسر جهان) صحبت کرده بود. در سخنرانی مسجد بالتیمور، او در مورد ستیزه جویی های بین المللی، مثل اختلاف میان اسرائیل وفلسطین تماس نگرفت، ویجای آن حقایق ناگواری را دربارهٔ تخریب مساجد وآزار واذیت کودکان مسلمان امریکایی بیان داشت. اوباما گفت: (این کودکان همانند اطفال من هستند) اذیت اطفال تصویری راخلق میکند که آنها موقف خود را در این کشور بزرگ در زمانیکه نگرانیهای کافی نوجوانان و کودکان را احاطه کرده، موردستوال قرار دهند. جوانان از قبل به مشکلات مواجه میباشند که با آنچه ما هستیم، منافات دارد.)

اگر چه رئیس جمهور بوش در جریان شش روز پس از حملهٔ ترور بستی ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ به یک مسجد در شهر واشنگتن دی سی (دنباله در صفحهٔ ششم)

داکتر غلام محمد دستگیر
بروفیلد - کولورادو
بی بی سی فتنه انگیزی را توقف ده!

چندی قبل داریوش کریمی در یکی از پروگرامهای مصاحبوی بی بی سی با یکمعداد افغانستائی ها بشمول یکی از استادان دانشگاه کابل که پشتون بود روی کلمهٔ افغان بحثی راسر دادند. استاد دانشگاه روی منشهٔ تاریخی کلمهٔ افغان سخنانی بزبان آورد؛ جون نیک نگریسته شود آنچه اظهار داشتند همه از مقالهٔ که در دانشنامهٔ آریانا تحت عنوان(نکاتی در بارهٔ افغان و افغانستان) بقلم مهسذبزردهٔ کابلی به نشر رسیده بود مدعومات خویش را از برنموده جملاتش رانکرار میکرد. حدس یقینی من اینست که امکان دارد آقای داریوش کریمی این مقاله را برای استاد دانشگاه داده باشد تا به مزاح پروگرامش آن جملات را در امواج مکرر و ملوث تفرقه انداز تبلیغات بی بی سی پخش سازد.

انگریزها قسمیکه بارهاند کر داده ام و بر همه افغانستانیهای وطن دوست هویدا ست نمیخواهند مردم این سرزمین آرام بوده در سایهٔ امنیت کامل حیات بسر ببرند. گمان نمیرود آن پالیسی منحوس البیسی انگریزی خود را که (تفرقه بینانداز وحکمرانی کن) حتی در همین قرن بیست و یک هم در اوراق فراموشی سپرده باشند، بلکه بیشتر با جنگهای نیابتی و حمایت پس پردهٔ طالبان و دیگران از طریق وحشیان دهشت افگن آی اس آی و سیاستمداران مکار پاکستانی این عمل شنیع خود را قویتر در صحنهٔ کارزار به تجربه گذاشته اند و میگردانند. وقت آنست که آغا داریوش برای بیکار بحقیقت گرائیده به نکات ذیل گوش دهد و برفتنه انگیزی خود پایان بخشد و هم دیگر شعبات تبلیغاتی بی بی سی از شر اندازی دست برداشته، پخش پروپاگندهای خائناسوز برای مردم افغانستان را توقف دهند. در بارهٔ ریشهٔ کلمهٔ افغان گفت و شنود و نوشته های خوب و واهی زیاد صورت گرفته، به طبع رسیده است. من میخوام روی دو موضوع بحثی داشته باشم: یکی اینکه افغان، و اوگان، ابگان، معنی پشتون را ارائه میکند، و دوم اینکه پشتونها با دیگر اقوام افغانستان مانند تاجک، ازبک، هزاره، ترکمن و غیره از هر نگاه فرق فاحش دارند.

اول- دهخدا(۱) کلمهٔ افغان را چنین تعریف نموده: نام قبیلهٔ ایست مشهور(از برهان). ههان اوغان است و وجه اشتقاق مقنع برای آن نیافته اند (دائرة المعارف اسلام از فرهنگ فارسی). نام طایفهٔ ایست که در شرق ایران از حدود خراسان تا لب رود آمویه (جیحون) سکنی دارند. آنان مردم دلیر و جنگاورند و مذهب آنان حنفی است. افغانان به دو طبقهٔ بزرگ تقسیم میشوند: ۱- درانی است که امروز (در سال ۱۳۷۷) زمام حکومت را در دست دارند. ۲- غلجایی (غلزایی) که از نزد امخطل تشکیل یافته اند و امروز (۱۳۷۷) عدۀ آنان به صدهزار خانواده بالغ میشود. علاوه بر زبان فارسی که لغت ادب و کتابت است بزبان پشتو که از شعب فارسی است صحبت میکنند (از فرهنگ فارسی معین).

دهخدا(۲) در بارهٔ افاغنه چنین نوشته است: افغان که قومی است معروف (از آندراج) (از غیات اللغات). مأخوذ از تازی، افغانها، و گروه افغان (از ناظم الاطباء) افغانی (یاد داشت بخط مؤلف). پختان؛ مرحوم ملک الشعرای بهار آرد: پختی بضم اول و پاء فارسی اشتر های قوی دو کوهانه و نر را گویند (تاریخ سیستان حاسیهٔ صفحه ۶۶) و بعقیدهٔ حقیر (دهخدا) پختی منسوب به پختان است که نام اصلی افاغنه است.

در (افغان قاموس) که نشریهٔ مدیریت لغات پشتو تولهٔ بوده، مولف آن عبدالله افغانی نویس است و در ماه غویی (ثور) اردیبهشت) ۱۳۳۶ چاپ شده، تعریفی برای کلمهٔ افغان نیافتم. اما قسمیکه از عنوان این مجموعهٔ خالص لغات پشتو یعنی افغان قاموس بر میآید؛ افغان یعنی پشتون.

در تاریخ ادبیات پشتو(۳) که برای صنوف یازده و دوازده نوشته شده معلومات اغراقی دربارهٔ بایزید روشن درج شده که تبصرهٔ در بارهٔ آن خارج از حوصلهٔ این مقاله است اما چیزی که دلچسب است اینست که: در حالنامهٔ بایزید (۹۲۶- ۹۸۵ هجری) نوشته شده که فامیل وی از چهار پشت بر قبایل افغانها حکومت داشتند؛ یعنی بر قبایل پشتون حکومت داشتند.

رحمان بابا(۴) (۱۰۴۲ - ۱۱۲۸ هجری) در تمام دیوان خود بیکاراز کلمهٔ افغان استفاده نموده است بچه کشور دا افغانانو معطر شی

دهریت مصرع می زلفی دخویان کر هدف از افغان اینجا پشتونست زیرا که او از خراسان(۵) سخن میزننده افغانستان چه دیار زلفی رخسار می په زله نقش شو

خپل خلوت می خراسان و هندوستان شه شهرت ننگیالی(۶) ، به پشتو نوشتهٔ دارد که ترجمه اش اینست: (در کابل و پیشور افغان یکبست) و در دوام آن مینویسد: (تورخم سرحد بین افغانستان و پاکستان است. در هر دو طرف یک ولس، یک قوم، یک زبان یک کلتور و اولادهٔ یک پدر) (خرشون بن سرن بن قیس عبدالرشید(۱۲) قرار گرفته است... بکوختی افغانان میگفتند که این یک خط مصنوعی است... وبیت ذیل خوشحال ختک رانقل کرده است:

درست پشتون له کندهاره تر اتکه، سره یونگ به کاریت او آشکار ننگیالی صاحب حدود پشتونها را تعینن نموده و پتانها را با خود از یک پدر خوانده اند که ساحةٔ سکونت و حکومتداری شان از قندهار تا اتک بوده است. گل پاچا الفت(۷)، سروده است : ناپوهی خواره خواری ده او پشتون دی کوری وړان، کارنی گلود اووی ترتیبه

و از اوست(۸)

خواننده نابه انسانو کی قومونه کره جور
تاقیبیلی شعبی پتی او ملتونه کره جور
دتر کر عرب افغان په نوم دی اولسونه کره جور

حکه کوتری نه گدیژی کله زاغانو سره
بلبلی نکری پروازونه له کارغانو سره
شهید موسی شفیق(۹) هم سرودهٔ دارد به پشتو که گفته:

دا چی وایی ته افغان بی
شه په لار دچا روان بی
چی په لار د پشتو نه چی
معلومیزی په زله وړان بی
یعنی تو که میگوئی من افغان هستم (پشتون) خوب بگو که بکدام راه روان هستی؛ اگر براه پشتو نروی معلوم میشود که قلب ویران داری.

چند مثال محدود، اما پر محتوی فوق از دانشمندان وشعرای قدیم و معاصر پشتون نشان میدهد که افغان یعنی پشتون. حتی مرحوم گل پاچا الفت آیهٔ ۱۳ سورة الحجرات(یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی وجعلناکم شعوبا وقبایل لتعارفوا) ان اکرمکم عند الله اتقکم ان الله علیم خبیر) رادر قالب شعر پشتو گنجائیده معتقد است که شعبات وقبایل مختلف وجود دارد که باید شناسایی صورت گیرد. ولی ولس افغان را که قبیلهٔ پشتون است هم تذکر داده سروده که کبوتر با زانو (لگ لگ یا گلنگ) (۱۰) Craneیکجا نمیشود و بلبل با کارغانو (زاغها) پرواز نمیکند که به ضرب المثل (کبوتر با کبوتر باز با بازه کند همجنس با همجنس پرواز) تماس گرفته است.

ببخشید نمیخواهم که افغانی کلتوری توله در کالیفورنیا را فراموش کنم. اینها یک مجموعهٔ خاص پشتونهاست، بعضاً خیلی متعصب و فاشیست مزاج، که زیر نام (افغانی) اما پشتو نیسم، فعالیت دارند.

بدین ملحوظ، نزد من و خوانندگان این مضمون هیچ (دنباله در صفحهٔ ششم)

مشتاق احمد کریم نوری

روز جهانی زن مبارکباد

جهان را نعمتی بهتر تر زن نیست

اهدای همه زنان گرامی وطنم، به خصوص به آن مادران و خواهرانی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند!

کشور عزیز مان از لحاظ فساد اداری در سال قبل ۲۰۱۴در مقام چهارم کشور های فاسد جهان از نگاه فساد اداری قرار داشت، و اکنون بر طبق گزارش‌ه اخیر سازمان شفافیت بین المللی در بررسی های که توسط آن اداره در بین ۱۶۸ کشور های جهان صورت گرفته امسال در شروع سال جدید میلادی ۲۰۱۵ در ردیف سوم کشورهای فاسد گیتی یعنی در جایگاه ۱۶۶ موقعیت حاصل نموده قابل‌ه یاد آوری است که مملکت‌ه صومالیا در مکان‌ه اول‌ه کشورهای فاسده دنیا یعنی در ردیف‌ه ۱۶۸ و کوریای شمالی در مکان دوم کشور های فاسد یعنی در مکان‌ه ۱۶۷ جدول‌ه پیشکش شده سازمان‌ه مذکور درج گردیده، شایان یاد آوری است که دنمارک در صدر جدول یعنی در مقام‌ه اول ضد فساد قرار دارد و به دنبال آن سویدن و بعد از آن فنلیند قرار دارد، آلمان که سال‌ه قبل در مقام دهم ضد فساد قرار داشت امسال به پله صعود در جایگاه دهم جدول موقعیت حاصل نموده، البته کشور عزیز ما از لحاظ‌ه تلفات‌ه اطفال نیز به درجه‌ه سوم جهان قرار دارد و هکذا به خاطر تلفات‌ه مادران بویژه در جریان‌ه بار داری و زایمان در مکان‌ه دوم کشور های پر تلفات‌ه جهان قرار دارد، و به طوریکه اوسط عمر زنان ۴۴ سال تخمین گردیده در سال ۲۰۱۴ نظر به راپور سازمان دیده بان حقوق‌ه بشر ۲۶۰۰ واقعه‌ه خشونت در برابر زنان درج گردیده و این در حالی است که در سال ۲۰۱۵این رقم به ۲۹۰۰ واقعه ثبت شده می رسد و این در حالی است که نظر به رسم و رواج ها و معاذیر خانواده ها امکان ثبت بیشتر ان امکان پذیر نبوده، خود کشی، خودسوزی از مشکلات‌ه عمده سالهای پسین محسوب می گردد، که زنان‌ه که حتی انتخاب کردن را ندارند و همواره انتخاب می شوند، بالاخره به بن بست می رسند و چاره نمی یابند به جز اینکه به حیات شان خاتمه بدهند، این در حالیست که بعضی زنان باک طینت به خاطره که دست نامحرم بچان شان نرسد خود را به دریا انداخته اند، البته تعداد دختران و زنان که مورد تجاوز فردی یا گروهی قرار گرفته اند، در دو سال گذشته به بیش از ۱۷۰ واقعه ثبت شده می‌رسد، قابل ذکر است که چه حکومت قبلی و چه حکومت فعلی همان طوریکه در بسا امورات نا موفق عمل نموده اند.در حصه دفاع از حقوق زنان نیز فوق العاده بطی عمل می نمایند، این در حالی است که وزارت صحت عامه بیان می دارد که اضافه از نیم‌ه نفوس داخل کشور از مشکلات روانی رنج میبرند، گذشته ازآنکه در ازبیر خطر مشکل جهانی آب که جهانی سبز را به جهانی زرد تهدید می نماید، در کشور عزیزمان تنها ۲۳٪ به آب آشامیدنی صحتی دسترسی و ۲۴،۰به سواد دسترسی دارند، گزارش مو سسه سیگار مینی بر مکاتب خیالی واستخدام معلمین خیالی و اوج اختلاس و ابتلال، و اینکه کسانی‌که محکوم به ایجاد همچو مشاکل اند در سیستم مجازات و مکافات دولت های بر آمده از بن فقط مکافات است و امتیازات بیشتر و بهتر، عدالت آن طور کور شده که در سمنگان قاضی خانم را از شوهرش جدا می سازد و بعد به خودش نکاح می نماید و بعد هم به دختر شوهر قبلی خانم اش همواره تجاوز می نماید به نحویکه از دختر خانمش دو طفل دارد، در تخر تازه در آستانه روز جهانی زن نظر به فعالیت های والی جوان اش آقای با سنین ضیا قاضی بالفعل در رشوت گرفته می شود که حتمی در محلی دیگری با مقام و امتیازی زیاد تری گسیل می گردد، در بخش امنیتی نیز کشورروز به روز در باتلاق‌ه امنی غرق است، و هیچگونه تعریف‌ه درست و روش از دوست و دشمن موجود نیست، بخش های امنیتی همه با سر برستان حمایت می شود، تصور می شود که سر برست سالاری به یک فرهنگ حکومت های بر آمده از کتفرانس بن مبدل گردیده، بیست مشاوریت امنیت ملی که در سیستم دولتی افغانستان بی پیشینه است، با آمدن آقای حنیف اتمر به حیث یک چالش اساسی در سراه ارگان های امنیتی قرار گرفته خصوصاً که جناب اشرف غنی بر بودن دوشخص غیر محارب در پستهای وزارت دفاع ملی و مشاوریت ملی تأکید می نماید و هر قدر هم که برایش گفته می شود از اسب جیل و شق پاهین نمی شود، بودن شورای عالی صلح که من در برنامه تلویزونی ام در پیچه‌ه سخن برایش رایگان نظرربه دادم، که اضافگی است، همه مو ضوعات بیرونی از طریق‌ه وزارت خارجه بیش برده شود، و برایش از بسا کشور ها مثال آورده شد، اما دیده می شود که آقای سید احمد گیلانی را در رأس شورای عالی صلح در نظر گرفته اند، این در حالی است که اکثر خانواده گیلانی در بخش های اپوزیسیون نظام فعالیت دارند، فرار جوانان از کشور و نبود اشتغال، عدم رسیدن به بحران مهاجران، مشکل برق و دیگر ضروریات مردم که از جمله ضروریات در زندگی روزمره پنداشته می‌شود، شرایط سالهای اخیر امیدها راروز تاروز به یاس مبدل نموده ، فقر ناداری ناتوانی روبه فرونیست، می‌گویند شخصی نزد فالپین رفت که فال اش را ببینند، فال بین برایش گفت تا چهل سالگی در فقر و تنگدستی زندگی می نمای ای آن شخص لاجرم میپرسد بعد از چهل سالگی چطور جواب می‌گیرد که بعد از ان به همین اوضاع و احوال عادت میکنی، شرایط‌ه ایجاد شده مردم دردمند افغانستان را روز تا روز با دشواری های عظیمی روبرو ساخته روان است، و برای برون رفت از این منخصه هیچ یک برنامه واقعی کاری موجود نیست، روی این اصل در بر نامه قبلی روی تشکل نهاد یا شورا و یا جبهه و یا اپوزیسیون نخبندگان در پرو کرام در پیچه سخن کب های داشتم ضرورت شورای نخبگان و بسیج شدن شان در گرد یک تشکل از ضرورت ها فعلی پنداشته می شود برای این کار دل سوزان جامعه که از حالت‌ه فعلی رنج می برند دست به کار شوند اگر نشسته اند ایستاده شوند واگر ایستاده اند به راه یفتند، در پیچه سخن سخن در این راستا از هر گونه همکاری مضایقه نمی نماید، و امید وارهستم که که اصحاب قلم و کلام نظریات شان را پیشکش نمایند و تا با یک حرکت دستجمعی تا فراسیدن تجلیل از روزه جهانی مادر در ماه می برای مادر وطن در آستانهٔ تجلیل از هشت مارچ روز جهانی زن پیام های دل گرم کنند،هبرای ایجاد حرکت ملی نخبگان داشته باشیم بدین آرزومندی برمیگردم به قدامت تجلیل از روز جهانی زن که روی چه علت و انگیزه همچو روزی مطرح وجهانشود شد، در بین سالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۰ زنان کاسب به خصوص زنان خیاط ودست دوز در همین شهر پر هیا هوای که من زندگی می نمایم یعنی شهر نیویارک دست به اعتصابات و مظاهرات زدند و دلیل‌ه آنرا قسمی وانمود می نمودند که عدم وقت تعین شده برای یک کار نورمال، آنان در بیست چهار ساعت خوا هان آن بودند که هشت ساعت برای یک کار فول تایم کافی است که هشت ساعت به استراحت و هشت ساعت دیگر برای رسیدگی به امور تدبیر منزل، و همچنین خواهان چند روز مرخصی و عذر معقول در سال، به شمول اقلأ دو هفته رخصتی در یک سال بودند، این ایستاده گی ها و مقامت ها تا سال ۱۹۱۰میلادی ادامه یافت تا به تصویب رسید و بالاخره در سال۱۹۱۳ جهان شمول گردید، وجند سال قبل صد سالگی این روز بزرگ در سطح جهانی به شکل شاننداری تجلیل گردید. همه ساله سازمان ملل متحد و نهادهای که در راستای حقوق بشر کار مینمایند، بهمکاری بعضی کشورهاو موسسات برای دولتهاو حکومت های که برای ایجاد رفورمهادست به اصلاحات اساسی و بنیادی میزند(دنباله در صفحهٔ ششم)

پروفیسر داکتر عبدالواسع لطیفی
الکسندریه -ورجینیا
صفحاتی از یک زندگی پر نشیب و فراز
دروصلت وطن و در غربت هجرت (بخش ۱۵)

تحریر این بخش زندگینامه ام مصادف است باتجلیل روز جهانی زن در همه قاره های این جهان پرماجرا، که مردم بسی کشورها باجنکهای تحمیلی ومرگبار دست به گریباندن وطبقهٔ زن چه بیحث همسر وچه بیحث مادر، غم هاضربه های حسرتباری رامتمحمل میشوند. همین لحظه چندین کتاب ویکتعداد آثارادبی رو برویم بازاست ومیخواهم مقام وارزش زن رادرا انعکاس نوشته های آنها جستجو کنم. نخست دیوان حافظ رامیگشایم که قطعهٔ شعرماندگاری از زبان عاشق به معشوقه است، که همین (زن) است وتاجهان است منبع وایجادگر همه عشق ها وعواطف انسانی بشمارمی آید وحافظ شیرین سخن در وصف حسن زن، چه در شکل وجه درمعنی سرودهٔ زیبایی دارد. ایاتی از آن چنین است:

ای روی ماه منظر تو نو بهار حسن
خال وخط تو مرکز حسن ومدارحسن
در چشم پر خمار تو پنهان فسون سحر
در زلف بی قرار تو پیدا قرارحسن
ماهی نافت همچو تواز برج نیکویی
سروی نخاست چون قلدت از جو بیارحسن
خرم شد از ملاحت تو عهد دلبری
فرخ شد از طاقت تورو زگارحسن
از دام زلف ودانه خال تو در جهان
یک مرغ دل نماندنگشته شکارحسن
دایم به لطف دایه طبع از میان جان
می پرورد به ناز ترا در کنار حسن
گردلبت بنفشه از آن تازه وتراست
کآب حیات میخورد از جو بیارحسن
حافظ طمع برید که بیند نظیر تو
دیارتست جز رخت اندر دیارحسن

خوب، در همین تلاش وجستجوی مطبوعات جهانی که از روز جهانی زن یاد بودی شده است، نظرم به مقالهٔ پر محتوای بانوی اول سابق امریکا (لورابوش) می افتد که راجع به زنان افغانستان در یکی از شماره های هفتهٔ گذشتهٔ واشنگتن پست پچاپ رسیده وفشردهٔ آن به شما ترجمه وارهائه میگردد. ناگزیرم یادآور شوم که چندسال قبل نیز خانم لورابوش در سالون بزرگ یونیورستی جورج تاون، که در کتابخانهٔ مرکز علمی آن موظف بودم ودر قطار حاضرین جاداشتم، بیانهٔ تاریخی پر محتوایی ایراد کرد که شعار آن نشان وپرورش تاکهای انگور بود دعروض بیمگداریها وماینهای انفجاری وگسترش مزارع تریاک !

بهر حال لورابوش در مقالهٔ هفتهٔ پیش خود نوشت: (پانزده سال قبل اگر شمادر جملهٔ یک فرد زن در افغانستان بودوباش میداشتید، شمارا مردانی (گماشته شده و زورمندو متعصب) بخاطر یک خندهٔ بلند با قمچین میکوبیدند ویا اگر کفشهای کروی بلندتان روی ممبر صدای رفتار تانرا انعکاس میداد وهمچنان اگر شما بدون مرد از خانه بیرون میشدید، موردلت وکوب قرار میگرفتید. زنان افغانستان در آن روزگار تاریک بابوشایدن سنای خود زیر چادری، قیافهٔ عجیبی داشتند ووقتی در قطار منتظرین خرید نان روزمره یکی بی دیگر انتظار میکشیدند، تاباتاشخیص صدا همدیگر رامیشناختندو آهسته و ترسیده صحبت میکردند... ولی امروز یک زن از همان زنهای پانزده سال پیش افغانستان بنام نسیمه رحمانی به درجهٔ یک حقوقدان ومعلم، بدون هراس تحمیلی آنروزها اجرای وظیفه میکندودر قطار بسازنان دیگر تشنهٔ تحصیل برای دیپلم داکتری خود میکوشد .

البته نسیمه رحمانی در قطار زنان پیش رو تنهاییست بلکه تعدادزنان مانند اوبرای تغییر زندگی ورونداجتماعی خود کمر همت بسته اند، پانزده سال قبل تنها حدودپنج هزار دختر در مکاتب مقدّماتی امکان درس خواندن داشتند، اماامروز تعدادشان به سه ملیون رسید وسی در صدمعلمین مکاتب را تشکیل میدهند. رولا غنی خانم اول افغانستان میخواهد یک یونیورستی رابرای دختران وزنان افتتاح کند که رئیس آن یک زن تحصیلیافته باشد. درهمین راستا زنان ۶۹ کرسی پارلمان را در اختیار دارند وهزاران زن معاملات تجارتی ویزنهای شخصی را پیش میبرند ودوفر زن بیحث والی در ولایات افغانستان کاریکنند...

لورا بوش ادامه میدهند: امروز که مصادف باروز جهانی زن است، موسسهٔ جورج بوش کتابی رازیر عنوان (مصادی امید زنان افغانستان هستیم) به نشر می رساند. اما باتمام این واقعیتها مایاید چلنجهواجرات مخالفین را که مقابل زنان جریان مییابد، از نظر دور نداشته باشیم. در اواخر همین ماه مملکت نخستین سالگرد حملهٔ کشنده ولت وکوب فاجعه بار وقتل فرخنده را که در محضر عام صورت گرفت، به یادبود میگیرد. آن زن به اتهام یک ادعای غلط سوختاندن قرآن، از طرف متصدی یک زیارت محکوم شدو توسط گماشتگان وتعدادی بدکاران مورد سنگباران ولت وکوب قرار گرفت وبه قتل رسید وجدشش متلاشی شد... همچنان در جولای گذشته یک دختر شانزده ساله در هرات که روانهٔ مکتب بود تحت حملهٔ اسید پاشی قرار گرفت... لهذا فراموش نکنیم که تشدد و بد رفتاری و خشونت در برابر زنان افغانستان یک معضلهٔ بزرگ اجتماعیت، امامن هنوز امیدوارم که زنان افغان با استعداد وشجاعتی که دارند آیندهٔ بهتری رادر حیات اجتماعی خود رونما خواهند ساخت.

وقتی خانم سکینه یعقوبی در قطار زنان یک کمپ ریفوژی که پنجاه زن در آن تحت حمایت قرار داشتند، ابراز نمود که آنچه آنها آرزو و ضرورت دارند همانا سواد وتحصیل است، درهمین راستا او پانزده مکتب سوادآموزی رابرای ۲۱ هزار زن ریفوژی فعال ساخته است. امروز وی به زنان افغانستان طریقهٔ را تدریس میکند که توسط تلفون های سلولر (سلفون) خواندن ونوشتن واساسات حساب رابیازوند.

افغانستان یک محل تقاطع حوادث گوناگون میباشدوقبل از حادهٔ ۱۱ سپتمبر محل دلخواه تر وربستان بود. پالیسی ایالات متحده درین مملکت باید محکم ویابدرا باشد. بهترین راه جلوگیری از عقبگرایی آن همانست که باید پشتیبانی های همه جانبهٔ ما(امریکایها) بطور دور اندیشانه وواقعیانه باشد. اگر امریکا پشت خود را بگرداند ورها کند، قوهتای فرصت طلب دیگر داخل میشوند وموقفیتهای شکنندهٔ که به دست آمده است، تدریجا زوده میشود. مایاید به افغانستان کمک کنیم که یک آیندهٔ بهتر را بسازد ومایاید سعی کامل بخرج دهیم که آن کشور بار دیگر محل دلخواه تر وربستانی چون طالبان ودولت بد کردار نام نهاد اسلامی (داعشی) نگردد. مایاید بادرنظر داشت نگهداری امنیت ملی خودما، قوای امنیتی افغانستان را کمک کنیم. من تصمیم رئیس جمهور اوباما رادرین راستا که حضور عساکر امریکاتاپایان سال ۲۰۱۶ و متعاقب آن در افغانستان دوام کند، استقبالی میکنم ومردم افغانستان این رامیدانند که مانمی خواهیم عساکر خود را برای همیشه در آن کشور مستقر سازیم، ولی رها کردن افغانستان درین حالت خیلی گران تمام خواهد شد. جامعهٔ بین المللی باید پشتیبانی و کمک خود را برای بازسازی و انکشاف افغانستان ادامه دهند، خاصتا در ساحةٔ صحت عامه وتحصیلات.

دوام پشتیبانی ما دولت افغانستان را وادار میسازد که در راه تحکیم وگسترش امنیت مردم خود کوشش لازمه به خرج دهدوانکشاف اقتصادی وتوقف دستبرد ها واختلاس وفساد را در ساحةٔ عمل بمیان آورد وتطبیق قانون راجبری دارد. باید یادآور شوم که روندصلح با طالبان به نقص وضرر زنان افغانستان تمام نشودوبه طالبان فرصت ندهد که رفتار و کردار سالهای نود رابر مردم افغانستان، تکرار کنند، که نه تنها بر زنان بلکه تمام افشار مملکت راصدمه خواهد زد.

ما باید فراموش نکنیم که آنچه در افغانستان ودیگرمناطق جهان صورت میگیرد، بر مردم خودما بی تأثیر نخواهد ماند. مردم افغانستان از ما تقاضا ندارند که معضلات داخلی شانرا حل وفصل کنیم، اما این را میخواهند که به آنها با کمک لازمهٔ خود فرصت بدهیم خودشان به حل مشکلات خود فایق بیایند.

دنیای دیوانه دیوانه ! خدایانی که هندی‌ها به دادگاه کشاندند

چند سال پیش، یک سناتور امریکایی در یک دادگاه این کشور علیه خدا اقامه دعوی کرد — بخاطر (کارهای بدش) مثل مرگ، ویرانی و ارباب.قاضی پرونده را رد کرد، با این استدلال که چون خدا نشانی ندارد، نمی‌شود مدارک حقوقی را به دستش رساند.

در هند، هندی‌های معتقد رابطهای بسیار نزدیک با خدایان‌شان دارند. دستگاه قضایی هندهم خدایان را شخصیت حقوقی میداند. بنابر این کم نیست مواردیکه یک هندی یکی از خدایان را به دادگاه می‌کشد. یگیتا پاندی، خبرنگاری بی‌بی‌سی در دهلی، چند نمونه از این پرونده‌ها را که خدایان گیر قوانین انسانی افتاده اند، گرد آورده است.

زمین‌خور؟ اوایل ماه فوریه، دادگاهی در ایالت شمالی بهار هانومان، خدای میمون‌نما، رابخاطر تصرف زمین دولتی احضار کرد. ماجرا از آنجا آغازشد که یک اداره دولتی از یک معبدهانومان که کنار یک جاده قرارداشت بخاطر ایجاد راه‌انداز شکایت کرد. ضابطان قضایی با احضاریه به نشانی موردنظر رفتند وبرگه را روی مجسمه هانومان چسبانندند. البته کمی بعدیک مقام مسئول که از خجالت سرخ شده بود، گفت کل ماجرا خطای اداری بوده، و برگه‌ها بایدبرای مدیریت معبد میرفته نه خدا. به‌این ترتیب، مأموران دوباره رفتند و احضاریه را از روی مجسمه هانومان برداشتند.

زن‌ستیز؟ جندی پیش یک وکیل هندی به نام‌سینگ از رام، یکی از محبوب‌ترین خدایان هندو، به دادگاه شکایت کرد. حرفش این بود که رام با همسرش سیتا نامنصفانه رفتار کرده.آقای سینگ که خودش یک هندی معتقد است، در شکایتش آورده که او هم مثل میلیون‌ها هندی در سراسر جهان رام را می‌پرستد، اما نمی‌تواند بر این واقعیت که رام با همسرش سیتا بدرفتاری می‌کرده چشم ببوشد. دادگاه البته شکایت را وارد ندانست، با این استدلال که طرحش عملی نیست. بعضی از همکاران آقای سینگ او رامتهم کردندکه می‌خواسته(جلب توجه) کند. حتی یکی‌شان از او بخاطر توهین شکایت کرد. با اینهمه، آقای سینگ قصد کوتاه آمدن ندارد. او گفته درخواست تجدیدنظر می‌کند، چون اعتقاد دارد هندی‌ها باید بپذیرند که رام با سیتا بدرفتاری می‌کرده. مالک واقعی کیست؟دسامبر ۲۰۰۷، یک دادگاه هندی رام و هانومان را برای حل اختلاف بر سر یک ملک احضار کرد. به دستور قاضی، روزنامه‌های محلی در ایالت شرقی جار کند آگهی کردند که این دو خدا باید شخصاً به دادگاه مراجعه کنند. متن آگهی به این شرح بود: (از آنجا که باوجود ارسال احضاریه توسط مأمور، و بعد پست سفارشی، در دادگاه حاضر نشده‌اید، با این اطلاعیه به شما دستور داده میشودشخصاًبه دادگاه مراجعه کنید).آنطور که رسانه‌های هندی گزارش کرده بودند، دو احضاریه قبلی به خاطر ناقص بودن آدرس برگشت خورده بودند.

دلیل احضار خدایان اختلاف بر سر مالکیت یک قطعه زمین در جار کند بود که یک معبد رام و یک معبد هانومان در آن واقع شده بودند. مردم محلی میگفتند زمین مال خدایان است، اما تولید معبد می‌گفت زمین مال اوست. طبق رأی دادگاه عالی ممبای(سال ۲۰۱۰) خدایان نمی‌تواننددر بازار بورس فعالیت کنند.رأی علیه یک بنیادمذهبی صادر شد که می‌خواست به نام پنج خدای هندو، از جمله گانگا —خدایی که سر فیل دارد —حساب باز کند. مالکان این بنیاد مذهبی از خاندان سلطنتی سنگی در استان غربی ماهاراشترا هستند — که ممبای پایتخت آن است.

ادعای مالکان این بود که خدایان مذکور حساب پس‌انداز دارندو مالیات می‌پردازند. ادعاییکه تأثیری بر رأی قضات نداشت. استدلال قضات این بود که خریدوفروش سهام در بازار بورس مهارت و تخصصی میخواهد که درست نیست از خدایان انتظار داشته باشیم داشته باشند. در حکم دادگاه آمده بود: خدایان را باید پرستید، نه این که به فعالیت‌های اقتصادی مثل معامله سهام کشاند! (نقل از بی بی سی مورخ ۶ مارچ ۲۰۱۶)

کاش کسانی پیدا شوند که زمین خوران و اختلاس گران در افغانستان را مثل خدای میمون نمای هندوستانی، برایشانی شان فشقه کشیده وبه دادگاه تسلیم دهند. به امید چنان روزی !!!

همچنانکه متصدی ومبصر یونیورستی امریکایی در افغانستان به من اظهار کرد که این تصمیم به مایاددغانی میکند که تنهائیتسیم ومردم دیگری هم هستندکه بمانوجه دارند.)

بهر حال پس از ترجمهٔ مقالهٔ لورا بوش که بایادآوری زنان و روند کنونی و آیندهٔ افانستان در تجلیل روز جهانی زن بچاپ رسانیده است، مقالات گوناگون دیگر را که بخاطر این روز مهم وفرخنده در شبکهٔ انترتی وسایتهای فرانگان افغان به نشر رسیده است، از نظر گذرانیدم، اینک پیام پر محتوای بانوی فرزانه ونویسنده ماریا دارو را که جندی قبل کتاب (آوای ماندگار زنان) تازه ترین تالیف اورابه شمادرجریدهٔ وزین امیدمعرفی کردم، از سایت خوداوبه شماراهائه میدهم :

تقدیم به تمام زنان مظلوم افغانستان و جهان

تاریخ مبارزات تان جاوید وسعادت تان همیشگی باد

زنان، بیحث مادر، همسر، خواهر ودختر روش ترین افق پیروزی و پرشکوه ترین اوج موفقیت اجتماع انسانیت. زنان نمثابه نمادی از انس، محبت وظرافت، سراپای وجودش جز شوروعاطفه ملکو تی نیست. زنان معماران واقعی جامعه اند، هرخانه، هرقلب، هر احساس، هر لحظه از شادی وسعادت بدون زنان نامکمل است، فقط شمارنان می توانید آنها را تکمیل نمایید.

شما زنان که اساس گذار هستی وادامه دهنده نسل بشر می باشید، همدوش بامردان برای حصول حق مشترک تان در قانو نگذاری اجتماعی، سیاسی واقتصادی علم مبارزه رادر کف گرفته ومکمل ابعاد مهم اجتماع بشری ورفع تبعیض جنسی ادامه دهندهٔ راه مبارزات قهرمانان هشت مارچ نیز باشید.

اعمار یک جامعهٔ عاری از حق تلفی وتبعیض جنسی «زن و مرد و» را اساس گذارید، زیرا مونث ومذکر در خلقت دوبال یک پرنده اندوسهم مساوی در اجتماع بشری دارند. زنان ومردان نیک ومبارز در زندگی شخصی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی وسیاسی مکمل ومتمم همدیگر می باشند. پیروز باشید راستی درهمین لحظه یک خانم نیک اندیش تلفونی برابم گفت که: (زنان الهام بخش هردو جهان اند. پرورشگر یک نسل جوانند ! بهر حال بانصديق و تهنيت گفتار قيمتدار بانو ماریا دارو، یادبود روزعالیمقدار زن رادر سلسلهٔ این بخش پانزدهم زندگینامه ام که با کوشش کوشان عزیز درجریدهٔ مردمی امید به نشر میرسد، یادکر این بیت شاعر شیرین کلام خاتمه میدهم :

سخن در پرده میگویم چو گل از غنچه بیرون آ

که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی /

(می‌ترسم)

من نگفتم که زرنج وزیلا میترسم
زاه نیم شب مردان خدای ترسم
هرگز از چشم حسودان حذرمن نیست ولی
از نگاههای پراز شرم وحیا می ترسم
ترسم ازحمله رویاروی دشمن نبود
زو که برمن کندحمله ز ققامی ترسم
ظالم هر چند جفا کرد بمن میگذرد !
لیکن از سفسطه اهل وفامی ترسم
بسکه آغواگری از زاهد رهمگ دیدم
من ز عمامه و تسبیح وزدا می ترسم
از فضولان که فضولند فضولی شاید
ز اشتباهات عقول و فضلا می ترسم
هر چه دیوانه کند رسم جنونش خوانم
از خطا و ز جفای عقلا می ترسم
قلم پاک زبس آلت تفتین شده ست
از نویسنده و خطب شعرا می ترسم
خاتقه گشته زبس لانه افسادو ورع
من ز شیخ و ز مرید و خلفا میترسم
زیر پا بسکه شده عاطفه و شرم و خرد
هم ز خود هم ز دگر ها وشما میترسم
بسکه آغواگری ساده دلان افزونست
از خودای نفس جدا، از توجدا میترسم
از خدایی که رؤوف است ندارم بیسی
بل ز عصیان خود و روز جزا میترسم
جاودانیاد صابر (هروی) ، حمل ۱۳۷۲، کابل —میکوربان

گدای دور دنیاییم و میگویم: با ننگیم...!

نمیدانم که فرزند چه تاریخ و چه فرهنگیم
اگر پیدا نشد بیگانه، ضد خویش میچنگیم
حوبلی را گرفته آتش و ما از میان دود
سر از کلکین برون آورده مینالیم: دکننگیم!
نه کافر مثل هر کافر نه مومن مثل هر مومن
همان رنگی که اینجا باب بازار است آن رنگیم
چقدر از دست دشمن شکوه باید کرد؟ ای مردم!
به جنگ خویش ما سnger، به راه خویش ما سنگیم
تفنگ دیگران بر دوش و می لاقیم: آزادیم
گدای دورِ دنیاییم و میگویم: با ننگیم

سمیع حامد، نقل از فیسبوک ابو مسلم شیرزاد



ناپدید شدن یک آبدۀ تاریخی از جلال آباد

۱۰ فبروری/گزارش ازضیالرحمن حسرت —نگرهار: درمیان سایر آبادات تاریخی شهرجلال آبادیکی هم مقبرهٔ معروفی است که در مرکز این شهر موقعیت دارد. تا حال واضح نشده است که این مقبره مربوط کی است. در حالیکه برخی ها آنرا از یک راهبه بودایی میدانند ولی اکثریت باشندگان این شهر آنرا به نام قبر کنجنی میشناسند. این قبر به علت عدم توجه اداره اطلاعات وفرهنگ، از بین رفته و اکنون در یک مارکیت شهری ناپدیدشده است. فرهنگیان در ولایت نگرهار میگویند که این آبدۀ تاریخی از زمان بودایی ها باقی مانده بود اما با گذشت زمان از بین رفت.

قبر کنجنی از قبرهای کهنه وتاریخی در شهرجلال آباداست که به گفته فرهنگیان این ولایت تاریخ آن به چندین قرن قبل برمگردد. این قبر در گذشته در حومه شهرجلال آباد در کوچه نمک فروشی به شکل یک آرامگاه وجود داشت، اما از مدت بیست سال به اینطرف تخریب شده ودر سال ۱۳۸۲شمسی در جریان یک مظاهره خشمگین، به ویرانه مبدل گردید.

عدم توجه اداره اطلاعات وفرهنگ نگرهار باعث شد که این قبر با گذشت هر روز به مخروبه مبدل گردد تا حدی که اکنون نام و نشانی از آن دیده نمیشود بجای آن یک مارکیت شهری ساخته شده است.

گلستان غالب فعال فرهنگی درجلال آباد میگوید این قبراز یک راهبه بودایی است که در زمان بودایی ها درین ساحةٔ شهردفن شده وبا گذشت زمان به قبر کنجنی مسمی شده بود. این قبرنشانه یک راهبه بودایی بوده که در دوران بودیسم، بودایی ها از گندهارا در اینجا دوران داشتند. بالای این مقبره یک گنبدقرارداشت و یک محل عادی نبود بل جایگاه قابل دیدبود، اما بامرور زمان درمیان مردم به قبر کنجنی معروف شد.

باآنکه درمورد این مقبره معلومات دقیق وجودندارد، اما گمان میرود که با آمدن اسلام به این منطقه و حساسیت مردم در مقابل سایر ادیان باعث شده باشد که مردم آنرا قبر کنجنی عنوان کنند.براساس مشاهدات تاریخی بیشترقبرهای تاریخی در افغانستان افسانوی بوده، اماروستانشینان روی عقاید خاص به زیارت ها، صحن آنرا پراز جنب وجوش کرده از آن زیارت میکنند و مراد مطلبند. بازمحمد عابد یکی از فرهنگیان این ولایت میگوید ازچهل سال به اینطرف که از قبر یادشده بازدید کرده، به همین یک نام (قبر کنجنی) یاد میشود و در گذشته هامردم در آن برای رفع نیازمندیهای خودمراجعه میکردند. برخی اززنان می آمدند وقبر را میدیدند، نمیدانستیم که این زنان برای چه میامدند؟ اما از دور می دیدم که داخل محوطهٔ آن می شدند و آنجا را ترک میکردند.

پوهنوال لعل پاچا آزمون، استادفاکولتهٔ زبان وادبیات پوهنتون کابل، پیشینه تاریخی این قبر را به زمان تجاوزبریتانیایبها برافغانستان میداند. آزمون گفت این قبراز یک خانم افغان بود که در زمان مقاومتها در مقابل انگلیسها با جنگجویان افغان کمک میکردودر جنگ نیز اشتراک داشت. انگلیسها برای بد نام ساختن زنان افغان و این مقبره را به نامی مسمی ساختند که مورد نفرت مردم قرار گیرد. امارایاست اطلاعات وفرهنگ نگرهار باوجودیکه این قبر را یکی از آبادات تاریخی میخواند اما میگوید بداین مقبره ثبت وراجستر راست اطلاعات و فرهنگ نیست، از این رو بازسازی نشد. اورنگ صمیم در مورد از بین رفتن این مقبره می گوید در فهرست آن راست چنین آبدۀ ثبت نیست. او گفت: در همان لیست که از آثار تاریخی نزد اطلاعات و فرهنگ وجود دارد، در آن قبر کنجنی وجود نداردولی قبر کنجنی یک آبدۀ تاریخی وسابقه است که باید در این لیست شامل میبود. با آنهم جادهٔ که این قبر در گذشته ها در امتداد آن قرار داشت، هنوز هم به نام آن یاد می شود. /

انجنیر عبدالصبور فروزان
سختی چند از اندیشه های احمدشاه مسعود (رح)
(بخش هشتم):
احمدشاه مسعود در یکی از خطابه هایش درخواجه بهاء الدین در جمع کثیری از مردمان آن محل و استادان دانشگاه کابل و پولیتخنیک کابل گفت: (طالبان اجیر و مزدوریگانه هاستند، اعمال شان مخالف دین مقدس اسلام است، برای تأمین منافع بیگانگان در افغانستان میجنگند. اگر مردم افغانستان میخواهد که آزادومستقل زندگی نمایند، به پیکار ومبارزهٔ شان برعلیه این گروه جنایتکار باید ادامه دهند و وطن را از لوث آنها پاک سازند.)

مسعودشهید شناخت دقیقی که از طالبان و پلاهای شومی که تحت پوشش طالبها برای سرنگونی وطن ما و در بدری مردم ماطر حریری گردیده بود داشت، به مردم وطن همواره هوشدار میداد تا از مبارزه و پیکارشان بر علیه این گروه جنایتکار و مزدور دست نکشند و خود تا آخرین قطرهٔ خون پاکش در برابر این گروه جنایتکار و حامیان شان، برای آزادی کشور جنگید.

پطروس پطروس عالی سرمنشی قبلی سازمان ملل از طریق شهید عبدالرحیم غفورزی مجاهد و مبارز وطن، پیام شفاهی برای احمدشاه مسعود(رح) فرستاده واز اوقضا کرده بود تا از مبارزه اش برای آزادی وطنش دست بردار نشود، به هر ترتیبی که میشود طالبان را شکست داده و کابل را که پایتخت است واهمیت دارد اذ دست آنها آزداسزد و خود زمام قدرت را در کابل بدست بگیرد، که پلان خطر ناکی در مورد افغانستان طرح شده که عاقبت دردناک و دلخراش برای خود افغانستان ومردم آن بارمی آورد. افغانستان آزادی خود را از دست خواهد داد و مردم آن چون مردم فلسطین در بدر و آواره خواهندشد. پطروس پطروس غالی که از عیسویان مصر بود(هفتهٔ پیش وفات کرد) برای احمدشاه مسعود اطمینان داده بود که اودر سازمان ملل در پهلویش میباشد و به مسعود گفته بود تا زمانیکه من اینجاهستم، طالبان در سازمان ملل راه پیدا کرده نمی توانند. شادروان شهید غفورزی (رح) این پیام شفاهی جلالتمآب عالی را هم به شهیدمسعود(رح) و هم به شهیداستاددین(رح) رسانیده بود. جلالتمآب عالی سیاستمدار حق بین و عدالت پسندی بود که در سازمان ملل از طریق حامیان طالبان تحت فشار شدید قرار داشت ولی در برابر هر مسألهٔ جهانی بشمول مسألهٔ افغانستان با استقلالیت و عدالت عمل کرد و همیشه جانب ملت‌های جهان را میگرفت نه جانب حکام و فرمانروایان آنها را . همین استقلالیت و عدالتمندی اش سبب شد تا او را نگذارند که بار ثانی سرمنشی سازمان ملل باشد، بعضی او کو فی عنان را که یک انسان گوسفندی و شلغمی مزاج بود، آوردند و در پیش چشمانش آنچه بلا و بدبختی که نو بد بالای مردم عراق و افغانستان آوردند که مردم این دو کشور تا کنون در شعله های آتش آن میسوزند و درد و دود آن آسمان جهان را خیره ساخته است.

ایالات متحدهٔ امریکا از چندسالی به اینطرف بخصوص پس از مضای قرارداد دوجانبهٔ امنیتی با افغانستان، پیوسته اظهار میدارد که در افغانستان برای از بین بردن تروریستها و القاعده میجنگد و جانب مقابل شان طالبان نیست و با آنها جنگ ندارد! حوادث اخیر قندز، قندهار، هیرمند و دهنهٔ غوری نشان داد که ایالات متحدهٔ امریکا افغانستان را در دفع تهاجمات طالبان و حامیان پاکستانی آنها همکاری نکرده بلکه حیثیت یک سیرین را اتخاذ کرده است و بطور غیر مستقیم به طالبان اطمینان داده که قوای امریکا بالای ایشان حمله نمی نماید. چنانکه در ماه دسمبر ۲۰۱۵ طالبان مزدور به همکاری نظامیان پاکستان افراد اتحاری خود را به بادقت جایجا ساخته و به ساعت ۳۰/۶ صبح که مردم همه در خواب بودند، دست به عملیات دهشت افگانه زدند که منجر به برخورد میان این اجیران و قوای مسلح افغانستان شد. این برخورد دو روز دوام کرد و طالبان مردم ملکی و باشندگان آن محل را بیعت سیر استفاده کرده، در کانها، خانه ها و مکاتب آنجا را آتش زدند. یک شاهد عینی از محل میگوید که صحنه به اندازهٔ دردناک بود که آواز ناله و زجهٔ زنها، اطفال و کهنسالان ازدور شنیده میشد که در آتش میسوختند و ازد کانها و منازل شعله های آتش زبانه میکشید. درین حمله و حشیانهٔ طالبها ۳۷ تن بشمول زنان و اطفال شهید و ۳۳ نفر دیگر از باشندگان محل زخمی شده و اجساد سوخته و زغال شدهٔ آنان بهر طرف افتیده بود. همین شاهد عینی میگوید که این محل از پایگاه نظامی امریکا چندان فاصله ندارد و عساکر امریکایی از قرارگاه شان توسط دوربینها صحنهٔ جنگ میان طالبان و قوای مسلح افغانستان و دود آتشی را که از آنجا بلند شده بود نظاره میکردند و در طی دروزز برخورد امریکاییها بسوی طالبان فیر کردند و نه طالبان بسوی امریکاییها . پهمین ترتیب جنرال جام کمپل قوماندان عمومی ناو و امریکادر افغانستان اخیرا در سخنرانی اش گفت که (ما با طالبان جنگ نداریم و ایشان دشمن ما نیستند، تازه منیکه برای مامشکلات خلق نمایند بر علیه آنها نمی جنگیم.)

حتی حامد کرزی که تا سال ۲۰۰۹ حلقهٔ غلامی امریکا را در گردنش افتخار می دانست و خود ریشهٔ طالبی داشته و با ایشان سرازیک گریان بدر میکرد، در مصاحبه اش در جنوری ۲۰۱۶ بای بی سی گفت: (امریکا طالبان را خود بوجود آورد و هرگز در برابر آنها جنگ نمی کند! من بارها دیده ام که یک طالب را امریکاییها باسلح و تفنگ در جنگ دسگیر و دوباره رهاش میکردند و مردم ملکی بیگناه را بنام طالب در زندان می انداختند.) از فشردهٔ مصاحبهٔ کرزی چنین بر میآید که جنگی که فعلا در افغانستان جریان دارد و یک بازی است که امریکا و پاکستان برای بر آوردن اهداف خود آنرا براه انداخته اند و کلید ختم جنگ بدست امریکا است.

گرچه حامد کرزی در نزد مردم افغانستان فاقد اعتبار بوده و شخصیت فاسد، فروخته شده میباشد، ولی احتمال میرود سخنانش قرین حقیقت باشد، چون خود محور چرخش پلان امریکاییها بود و از سال ۲۰۱۱ بیعد به بدگویی امریکا آغاز کرد و امریکاییها از آن زمان به بعد از وفاصله گرفتند.

قرار اطلاعات حاصله توسط رسانه های جهانی درین اواخر پاکستانیها بیش از دوهزار فرد نظامی را که شامل گروههای دهشت افکن طالبی میباشد، در منطقهٔ چترال، جاییکه همسرحد با بدخشان است، جاگزین ساخته اند. این گروه که مجهز با انواع مختلف سلاحها و مهمات نظامی اند، منتظر ذوب شدن برفهای کوتل توپخانه که بدخشان را با چترال وصل مینماید، میباشد تا بر بدخشان حمله نمایند. از موجودیت این افراد مسلح دهشت افکن پاکستانی، هم دولت افغانستان و هم قوای نظامی امریکا مطلع اند، ولی کوچکترین تدبیری را برای دفع این تهاجم نکرفته اند، که دلیل دیگری برای موقعیت سیربینانهٔ امریکا و بی تفاوتی شان در برابر حملات طالبان بر افغانستان میباشد.

از جانب دیگر از دوسال به اینطرف امریکا (بعلاز امضای قرارداد امنیتی دو جانبه) طرز دید خود را در مورد طالبان تغییر داده و آنها را دیگر بحیث گروه تروریستی نمی شمارد و علیه ایشان جنگ نمی کند. درحالیکه در اسناد وزارت خارجه و ادارهٔ مصوئیت ملی امریکا تروریست و گروههای تروریستی چنین تعریف شده اند: (تروریست و گروههای تروریستی افراد و گروههایی اند که مردم ملکی را میکشند یا زخمی میسازند یا تهدید می نمایند، در میان مردم وحشت و دهشت تولید میکنند، تأسیسات عام المنفعه دولتی و شخصی را تخریب مینمایند با آتش مینزند، بر مکاتب و سایر تجمعهگاههای مردم حمله کرده آنها را به آتش می بندند، مردم عادی را گروهان میگیرند، مناطق مسکونی ملکی یا دولتی را گروهان گرفته از آنها سیر میسازند، زندگی عادی مردم را مختل ساخته، شاهراهها را مسدود کرده، مسافرین را کشته و اموال شان را غارت مینمایند و برای برانداختن

یک دولت قانونی فعالیت مسلحانه می نمایند.)

اظهر من الشمس است که اینها اعمال شنیعی اند که همه آنها را حتی بیشتر و شدیدتر از آنها را طالبان انجام داده و میدهند، ولی سؤال اینست که چرا امریکا طالبان را تروریست نمی خواند؟ درحالیکه آنها به تعریفی که امریکا خود برای تروریست و گروه تروریست دارد، صد درصدنه بلکه هزاران درصد مطابقت مینمایند. مثلا قرار گزارشات حاصله، طالبان اخیراً به تشکیل قطعهٔ نظامی موفق شده که تعداد آن به سه هزار میرسد. همهٔ شان جوانانی اند که در خاک پاکستان تربیت و آموزش نظامی میبینند، افراد آن با دقت توسط طالبان انتخاب میشوند و کوشش زیادی عمل می آید که ایشان با زرق نفرت و انزجار شستوشوی مغزی می شوند و وظیفهٔ شان انجام عملیات اتحاری در افغانستان است. مشخصات خاص جسمی و عقیدوی در انتخاب آنان در نظر گرفته شده و آنرا Martyrdom Battalion یعنی قطعهٔ شهادت نام نهاده اند.

درد و افسوس درینجاست که با وجود همهٔ حقایق در مورد ماهیت زشت و تروریستی طالبان، ایالات متحده و کشور چین در صدد آن اند که تحت پوشش مذاکرات صلح، طالبان را دوباره در افغانستان بقدرت برسانند و بر مردم افغانستان تحمیل نمایند. در واقعیت، ایالات متحده و چین میخواهند تا قاتلین مردم افغانستان را حاکم و حکمرایان شان سازند، اما مردم افغانستان و حتی جهان فراموش نکرده اند که طالبان در دوران حکمرایی شان چه ظلم و استبدادی را بر مردم ما روا داشتند. قتل عام و کشتارهای دستجمعی کردند، هزاران انسان بیگناه را بدون محاکمه بقتل رساندند، هزاران نفر را به جرم نداشتن ریش و پوشیدن کرتی و پتلون لت و کوب کرده به زندان انداختند، زنها را از حقوق مدنی شان محروم و در محضر عام با گورد و تازیانه لت و کوب کردند، هزاران هزار طفل معصوم افغانستان را از تعلیم و تربیه محروم کردند، معلمین و مربیان را قتل کردند، مکاتب و مدارس را آتش زدند و ویران ساختند، به مردها هتک حرمت کردند و بدون اجازه به خانه های مردم داخل شده به لت و کوب مردان و زنان پرداختند، به ناموس مردم تجاوز کردند، دختران نوباغ مردم را به جبر واکراه به عربها فروختند که تا کنون والدین شان از سرنوشت آنها واقف نیستند و تا کنون هزاران هزار مادر و پدر به دردواندوه آن دختران شان به غم و اندوه نشسته اند، ونمی دانند دلبدنشان زنده است یا مردم یاد رچه حالتی قرار دارد. به خانه های مردم داخل شدند و به جرم اینکه دختر بالغ در خانه دارند و تا کنون عروسی نکرده، پدر و مادر را لت و کوب کرده تازه بازانه زدند و دختران شان را بدون رضایت شان به زنی گرفتند، دستپاها را بندند و سنگسارها کردند، طالبان نام این مظالم را با خطر ایجاد ترس و رعب در میان مردم انجام دادند، آثار تاریخی و فرهنگی کشور را ویران کرده منفجر ساختند، افغانستان را مرکز تجمع، تولید و پرورش تروریستها ساختند، قاچاق مواد مخدر را رسمی ساخته و بخشی از عواید دولت شان ساختند، به کشور های همسایه افراد و گروههای تروریستی صادر کردند و هزارا هزار شرارت دیگری کردند که بشریت از یاد آن ننگ و عار دارد.

تلاشهای امریکا و چین برای بقدرت رساندن طالبان تحت پوشش مذاکرات صلح نه تنها اوضاع را در افغانستان بهبود نمی بخشد بلکه سبب تشدید بیشتر جنگ و کشته شدن مردم بیگانه و ویرانگری بیشتر افغانستان میگردد. این تلاشها دو اثر منفی دارد: یکی اینکه روحیهٔ جنگی را در میان عساکر افغانستان تضعیف مینماید وزمانی که عساکر میشوند که امریکا تلاش دارد تا طالبان را دوباره بقدرت برساند، حتماً با خود میگویند چرا باید جنگ کنیم و برای چه بجنگیم ؟ دوم اینکه طالبان این پیشهاد مذاکرات به اصطلاح صلح را قطعهٔ ضعف دانسته و از آن برای تقویهٔ مورال جنگجویان شان استفاده مینمایند. پیشنهاد صلح از طرف امریکا و چین به طالبان که هدف آن بقدرت رساندن آنهاست، در واقع نادیده گرفتن خون بیش از سه هزار عسکر امریکا و خون بیش از یکصد هزار انسان افغان اعم از سربازان، افراد امنیتی، مردم ملکی شامل زن و مرد و کودک افغانستان میباشد که توسط طالبان کشته شده اند.

امریکا میدانند که عدالت بشری حکم مینماید که قاتل باید به محاکمه کشانده شود و جزای عمل داده شود. ایالات متحده بعضی اینکه برای بقدرت رساندن طالبان مساعی بخرج میدهد، باید بکوشد تا طالبان را بجای کشیدن به میز مذاکره که شایستهٔ آن نیستند به میز محاکمه که سزاور آن اند بکشاند. شریک ساختن طالبان در قدرت یا بقدرت رساندن شان از دیدگاه قانون اساسی افغانستان غیر قانونی بود و نقض سیستم انتخاباتی است. امریکا و چین باید از مردم افغانستان بپرسند که آیا ایشان طالبان را میخواستند؟ درحالیکه هیچیک از اقوام ساکن در کشور اعم از تاجیکها، هزاره ها، اوزبکها، ترکمنها، نورستانیهای و پشه یی ها حتی اکثریت مطلق پشتونها، با وجود بکه ۹۹ درصد طالبان پشتون هستند، خواهان زندگی در زیر سلطهٔ طالبان نیستند. چون همه مردم افغانستان طالبان را می شناسند که مزدوران پاکستان اند و برای تحقق اهداف پاکستان در افغانستان به جنگ گماشته شده اند و ایشان از آزمون بردم برآمده اند و دیگر مردم فریب بازی و زیرنگ ایشان را زیر پوشش اسلام نمی خورند. مردم میدانند که زندگی زیر سلطهٔ طالبان به معنی غلامی و بردگیست، زندگی بای غزتی وی آبرویی است، زندگی در زیر ساطور جلادان و استبداد ظالمان است، زندگی با جهالت است و تاریکی و عقبگرایست و زندگی در زیر فرمان نظامیان پاکستانیست که فرد فرد مردم افغانستان مرگ را بهتر از چنان زندگی میدانند. حتی همین اکنون که تلاش امریکا برای بقدرت رساندن طالبان جریان دارد، هزاران هزار باشندة افغانستان از ترس بر قرار شدن دوبارهٔ رژیم طالبی از وطن فرار نموده یا در حال فرار اند.

احمدشاه مسعود شهید(رح) درگردهمایی عدهٔ کثیری از مجاهدین در زمان مقاومت درخواجه بهاءالدین گفت: (ما برای این جنگ نمی نمایم که طالبان را از بین ببریم و من برای شمنای آموزش که چطور برای از بین بردن ایشان جنگ کنید، بلکه من برای شمای آموزش که چطور مقاومت کنید و چطور به اشغال گران بفهمانید که ما اینجا هستیم و همیشه آماده هستیم).

اگر طالبان دوباره در افغانستان بقدرت رسانده شوند و بر مردم تحمیل گردند،

جبهه مقاومتی را که مسعود بزرگ در برابر آنها ساخته بود، مردم آن را دوباره احیا می نماید چون احمدشاه مسعود به مردم آموخت که چطور مقاومت نمایند، و این بار این جبهه وسعیت را توانمندی بیشتر بوجود خواهد آمد، زیرا این بار مردم افغانستان هم طالبان را وهم با داران پاکستانی شان را بهتر شناخته و از پلاهای شوم ایشان آگاهی کامل دارند. زنده و جاوید باد احمدشاه مسعود که برای مردم افغانستان درس مقاومت، آزادمنشی و فداکاری داد. / (دنباله دارد)

ویروس را داخل دوران خون میکند، پشهٔ ناقل خون میکده شده را درامعای خود انتقال داده در صورتیکه ویروس زیکا در آن باشد، به نکتز خود میبردازد و ذخیره میشود. وقتی آن پشه شخصی را بگزد، با افرازات دهن آن صدها هزار ویروس زیکا نیز داخل دوران وی شده مرض را تولید میکند. برای وقایه و دوری از مبتلا شدن به زیکا باید در نظر داشت : ۱- در مناطق پشه دار پودر پاشی شده آلهای ایستاده هر قدر کم هم باشد خشک شود. ۲- اشخاصیکه در مزارع و جاهای بود و باش پشه در گشت و گذارند، با پوشاندن خود با استعمال موادیکه پشه ها را دور میراند، خود را محافظه کنند. ۳- در صورت گزیدن پشه و سرخی جلد، فوراً به نزدیکترین مرکز صحنی مراجعه شود. ۴- دادویهٔ مروجه و انتی بیوتیکها بر ویروس زیکا تأثیر ندارد، تنها واکسین و تدابیر در برابر این مرض محافظه میتواند. /

نصیر احمد رازی

داستان های همسو با تصوف (۱۰)

در تصوف ترک اوصاف و بی اعتنایی به جسم و تن را واجب می‌شمارند و دور ساختن صفات نکویده را آغاز زندگی نو و تولدی دیگر به شمار می آورند. مولوی میگوید :

ای حیات عاشقان در مردگی دل نیسای جز که در دل بردگی
آز مودم مرگ من درزندگیست چون رهم زین زندگی، بایندگیست
امیرحسینی درمراسلهٔ تحفهٔ عباسی، در ترجمهٔ قول علی(ع) آورده است :
آتش اندرزن صفات خویش را پس هوای نفس کافر کیش را
صاف شو با حق نهان و آشکار صوفیان صاف را این است کار
چون کلیم الله دراین راه مخوف باصفای سرخود پوشیده صوف
اختیار خویش را بگذاشته نامردی را مراد انگاشته ...
آنان که گرفتار تیرگی های درون شده اند هر گز به روشنی نمیرسند و اذام افکار بلبد رها نمی شوند. مولوی گوید :

این جهان پر آفتاب و نور ماه اوپهشته سر فرو برده به چاه
که اگر حق است کو روشنی سر ز چه بردار و بنگر ای دنی
جمله عالم شرق و غرب آن نور یافت تا تو در چاهی نخواهد بر تو تافت
زهد و اعتکاف و یارسایی از عوامل کسب معرفت و وصول به حقیقت بشمار می آید، و اشتغال به خلق سبب غفلت از یاد حق و جلب رشک خلق میشود. زهد و اعتکاف در بیشتر ادیان و آیینهای قدیم چون دینت مسیح، کیش مانی و تعلیمات بودا وجود داشته و تا رکان دنیا و راهبان یکی از طرق وصول به کمال را پارسایی، ترک هوای نفس و اعراض از اشتغال به امور جهان و خلق روزگار می شمردند. در تصوف اسلامی اینگونه معتقادات و آداب در تمام قرون و اعصار یکسان نبوده، چنانکه عبدالله بن خفیف و معروف کرخی در زهد و عبادت و ترک دنیا به راه افراط میرفتند، در صورتی که جنید بغدادی و شیخ ابوسعید ابی الخیر طریق اعتدال می پویدند، در عبادات میانه رو بودند، با مردم درمی آمیختند و به گوشهٔ عزلت نمی خزیدند.

اهل تصوف همواره سالکان راهبه کتمان (سر) دعوت میکردند و بویژه پوشیده داشتن اسرار الهی را از فریاض میشمردند و پارهٔ از مطالب را با اصطلاحات و رموز خاص بیان میداشتند. گویند وقتی حسین بن منصور حلا(۳۰۹م) نزد جنید رفت و از عشق و محبت الهی وصحو و سکر سخن گفت، جنید برآشفّت واو را از افشای اینگونه مطالب منع کرد، زیرا چنین سخنان با تعصب برخی از فقها و عالمان دین راسازگار نبود و موجب خشم آنان می شد. حافظ در این بیت به حلاج چنین اشاره کرده است :

گفت آن یار کزو گشت سر دار بلند جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد
جنید درین باره گفته: این سینهٔ تو حرم خاص خدای است، تا توانی هیچ نا محرمی را در حرم خاص راه مده، دل دوستان خدای جای سر خدای است و خدای سر خود در دلی نهد که در وی دوستی دنیابد.

داستان : عربی بیابانی و وحشی وارد مدینه شد و یکسره به مسجد آمد تا مگر از رسول خدا سیم و زری بگیرد. هنگامی وارد شد که رسول اکرم در میان آنبوه اصحاب و یاران خود بود. حاجت خویش را اظهار کرد و عطایی خواست. رسول اکرم چیزی به او داد، ولی اوقع نشد و آنرا کم شمرده، بعلاوه سخن درشت و ناهمواری بر زبان آورد و نسبت به رسول خرام جسارت کرد. اصحاب و یاران سخت در خشم شدند و چیزی نمانده بود که آزاری به او برسانند. ولی رسول خدا مانع شد. رسول اکرم بعداً اعرابی را باخود به خانه برد و مقصداری دیگر به او کمک کرد. ضمناً اعرابی از نزدیک مشاهده کرد که وضع رسول اکرم به وضع رؤسا و حکامی که تا کنون دیده شباهت ندارد، و زر و خواستهٔ در آنجا جمع نشده . اعرابی اظهار رضایت کرد و کلمهٔ تشکر آمیز بر زبان راند. در این وقت رسول اکرم به او فرمود: تو دیروز سخن درشت و ناهمواری بر زبان راندی که موجب خشم اصحاب و یاران من شد، من میترسم از ناحیهٔ آنها به تو گزند ی برسد، ولی اکنون در حضور من این جملهٔ تشکر آمیز را گفتی. آیاممکن است همین جمله را در حضور جمعیت بگویی تا خشم و ناراحتی که آنان نسبت به تو دارند، از بین برود؟ اعرابی گفت : مانعی ندارد .

روزدیگر اعرابی به مسجد آمد درحالیکه همه جمع بودند، رسول اکرم روبه جمعیت کرد و فرمود: این مرد اظهار میدارد که از مازاضی شده، آیا چنین است؟ اعرابی گفت: چنین است، و همان جملهٔ تشکر آمیز که در خلوت گفته بود تکرار کرد. اصحاب و یاران رسول خدا خندیدند. درین هنگام رسول خدا روبه جمعیت کرد و فرمود: مثل من و اینگونه افراد، همان مثل همان مردی است که شترش ریمده بود و فرار میکرد، مردم به خیال اینکه به صاحب شتر کمک بدهند فریاد کردند و بدنبال شتر دویدند. آن شتر بیشتر رم کرد و فراری تر شد. صاحب شتر مردم را بانگ زد و گفت: خواهش میکنم کسی به شتر من کاری نداشته باشد، من خودم بهتر میدانم که از چه راه شتر خوش را رام کنم. همینکه مردم را از تعقیب بازداشت، رفت و یک مشت علف برداشت و آرام آرام از جلو شتر بیرون آمد، بدون آنکه نعرهٔ بزند و فریادی بکشد و بدود، تدریجاً درحالیکه علف را نشان میداد، جلو آمد، بعد با کمال سهولت مهار شتر خویش را درست گرفت و روان شد.

اگر من دیروز شما را آزاد گذاشته بودم، حتماً این اعرابی بدیخت به دست شما کشته شده بود، و در چه حال بدی کشته شده بود، در حال کفر و بت پرستی، ولی مانع دخالت شما شدم و خودم با نرمی و ملایمت او را رام کردم . /

پروفیسر لطیفی

از چندى به اینطرف مرض ویروسی Zika که از کشورهای امریکای جنوبی درائر گزیدن پشه های حمل کننده یناقل آن شیوع یافت، توجهٔ مراکز صحنی جهان و خاصتا سازمان صحنی جهان، انستیتوهای صحنی و مرکز کنترل امراض را در ایالات متحده بخود جلب نموده است.

تلفات مرض زیکا در افراد مبتلا روز تاروز روبه فزونی بوده و بویژه ضربهٔ مدهش آن در اطفال نوزادی به مشاهده رسیده که مادران شان مورد گزیدن پشهٔ ناقل قرار گرفته و از طریق خون دورانی ویروس زیکابه بدن جنین انتقال می یابد و سبب (مایکروسیفالی) یا کوچک ماتدن دماغ طفل نوزاد میگردد. علاوه بر این عارضهٔ تدای نابدیر بعضی صدمات دیگر عصبی نیز ضمیمه شده میتواند. اخیراً در یک شهر کولمبیا، قرار را پور تازهٔ واشنگتن پست، به نظر رسیده که پشه ایکه ویروس مرض سابقهٔ (گولیان بیر) را که یک مرض جهاز عصبی و فلج کننده میباشد، بوجود می آورد، ویروس مرض زیکا را نیز انتقال دهد. از نقطهٔ نظر ویرولولوی و پرازیتولوژی که رشتهٔ تخصصی طی من نیز میباشد، این پشه از نوع (ایدیس ایسی) بوده و در آلهای ایستاده و قبیة آلهای باران تخم گذاری میکند و از یک پشه هزاران پشهٔ دیگر به نشو و نما میرسد .

پشه مادهٔ ناقل و ویروس زیکا بانیش زدن جلد انسان و بلعیدن خون او تعداد زیاد



دفاع از زنان ودختران بیگناه (دنباله از صفحهٔ دوم)

افغانستان وحشی ترین بیرحمیهای را روا داشتندو هیچ فریاد اعتراض اذدستگاه نام نهاد دین و ملاهاوچلیها بلند نشد. چندی قبل فر خنده دختر جوان وییگناهی به اتهام سوزاندن قر آن، بدون تحقیقات و تثبیت جرم، از طرف یکـعده مردم وحشی درطرف چند دقیقه بارچه بارچه شده و جسدش آتش زده شد. بکـده ملاهاوچلیهای جاسوس پاکستان خاموشی اختیار کرده وعدهٔ ازهربران مجاهدین ، جنگسالاران، رهبران دینی، مرشد، پیر و سیدخمشوی مرگرای اختیار کردند. درچندروزاول ماه مارچ که روز زن درجهان تجلیل میشود، روزنامهٔ معروف نیویارک تایمز راپوردد که امروزحدود ۷۵۰زن ودختر افغان درزندانیهای آن کشوراسیربوده و درحالت فجیعی بسرمیرند. روزنامه افزود که این زنان و دختران جوان که یکـعده از آنها حدود۱۳ یا ۱۴ساله میباشند، ازطرف داکتربرای تاییدسالم بودن یاسالم نبودن غشاء بکارت معاینه شده اند. منظورازین معاینه آن بوده است که در صورت سالم نبودن غشاء بکارت زنان ودختران متهم به زناشده ودر صورت حاضر کردن چهارشاهد، سنگسارشده یاحتمالاً معروض به خوردن شلاق خواهند بود. نظربه گزارش نیویارک تایمزمعاینهٔ این زنان ودختران درحضور پلیس مردانه وبکـده دیگر اشخاص صورت گرفته است.

آنچه مهم است اینست که این زنان ودختران از ترس اینکه والدین و اقارب شان آنها را بدون رضایت شان به مردان بزرگسال نکاح می کردند، ازمنزل فرار و اسیر شده اند. دوم اینکه داکتران یسواد و نا آگاه افغانستان نمی دانند که در چنین شرایط ازنگاه علمی معاینه برای تشخیص و تثبیت سالم یاناسالم بودن غشاء بکارت اعتبار ندردوبصورت قطعی این مسأله راتشخیص نمی تواند.

علاو تا درین ایامی که روززن درسراسرجهان تجلیل میشود، در بسیاری کشور های اسلامی حتی اروپایی مثلاً درشهرلندن مسلمانان دختران مظلوم راسنت میکنند. یعنی یک قسمت حساس جهاز تناسلی خارجی را قطع میکنند. این عملیهٔ فجیع اطفال رامعیوب میسازد.

باین گفتار مختصر درحالیکه باحرمت به زنان، مادران ودخترام تمام مجهان این روز راتجلیل میکنم، توجهٔ جهانیان رابه ممالک اسلامی خصوصاً افغانستان بدوی خواسته واعمال شرم آور وغیرانسانی را که برزنان ودختران مسلمان صورت میگیرد، چه جنبهٔ عنعنوی یا صبههٔ دینی داشته باشد، بشدت محکوم می کنم . /*****

دربارهٔ فرهنگ (دنباله از صفحهٔ دوم)

یکی از وردک ها که نامش فراموشم شده، دروزارت معارف ایفی و وظیفه می کرد، برسپیل مزاح میگفت من وردک بدل هستم، وردک اصیل جاسوسی میکند !

- این نه تنهازمامداران حکومت بودند که ازقوم خویش حمایت می کردند، وزرا ودیگرمامورین عالیرتبه نیزبه مرض قوم پرستی مصاب بودند. اعضای خانواده، خویشاوندان واشخاص منسوب به قوم خود رادرچو کبهای دولتی میگماشتند، بدون آنکه لیاقت واهلیت آنهاوارد نظر بگیرند. مثلاً یک وزیرپشتون دروزارت خوداینکاررا انجام میداد همین ترتیب یک وزیرتاجیک وغیره اقوام . این قوم پرستی هنوز هم بشدت ادامه دارد. بعدازرویکار آمدن حکومت حامد کرزی وزرای مایبه اعضای فامیل، خویشاوندان ودیگرافراد قوم خودرادروزارت مربوط مقرر میکردند. من درسال ۲۰۰۲ بابک معلم انگلیسی سیمایمرد درلیسهٔ لشکرگاه بود، دروزارت زنان رفیقم وبه چشم سردیدم که اکثریت مامورین این وزارت راهزراه ها وشیععه هاتشکیل میدادند، و اشرف غنی در وزارت مالیه و احدی این کاررادروزارت تجارت و دگران ازقوم پرستی استفاده اعظمی میکردند وهنوزم دردورهٔ زمامداری اشرف غنی این کار صورت میگیردوحتی بدترشده است.

- این قوم پرستی دورهٔ حکومت کرزی حتی درسفارتخانه هاودوایر ملل متحد ودیگرموسسات غیردولتی نیزسرایت کرده بود. مثلاً در سفارت امریکا هشتاددرصد کارکنانی که درکابل استخدام شده بودند پشتون بودند. درملل متحد نیزوضع همین ترتیب ادامه داشت. من به چشم سرمونسوین سفارت امریکا و ملل متحددرسال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ مشاهده کردم .

- زبان نیزبه قوم ارتباط میگیرد که همیشه درافغانستان موضوعی خیلی حساس وجتجال برانگیزبوده وهنوزهم میباشد. برخلاف کشورهای غربی وانکشاف یافته، درافغانستان زبان عوضی آنکه وسیلهٔ افهام وتفهم باشد از آن به مثابهٔ وسیلهٔ برای آزار وتسلط براقوام دیگر استفاده میشود. از آنجاییکه افغانها با زبان کسب هوبت میکنند، حمله برزبان حمله برکسانیکه بدان تکلم میکنند، تلقی میشود. - از آنجاییکه اکثریت مردم افغانستان به زبان دری آشنایی دارندو آنرا یابجیت زبان مادری درخانواده می آموزند یانآزابه مثابهٔ زبان دوم از مکب ومحیط کسب میکنند، دولتمردان وزمامداران پشتون کوشیده اند که زبان پشتونیزازین موقف برخوردارگردد. برای ثیل به این هدف کمپاین پشتونسازی Pashtoonazation را در سال های ۱۹۴۰ روی دست گرفتند، و ما درینجا به جوانب مختلف آن به اختصار اشاره می کنیم :

یکی از اقدامات دولت درین زمینه اجباری ساختن زبان تدریس به پشتو در سراسرافغانستان بود. این امربرای اقلیتها، خاصتا آوزبکهاو ترکمنها زبان آوربود، چه آنها مجبور بودندتخصیلات خودرابزبان پشتو انجام دهند. باید بخاطرداشت که بین پشتو ودری شباهتهایی در گرامر و کلمات موجوداست، زیراهردو زبانهایی هندواروپایی اند، یعنی خواهر وبرادراندوبه یک خانوادهٔ زبانی تعلق دارند، اما اوزبکی و ترکمنی به یک خانوادهٔ علیحده مربوط میشوند. من در صنف چهارم مکتب ابتدایی دریغلان، که پدرم درشرکت قند قندز وظیفه داشت، بودم که زبان تدریس به پشتو آغازگردید. ازهمین لحاظ نمرات من برای اولین بار پایین آمد زیرا مضامین رابه استثنای دری به زبان پشتو می آموختم . اما این کوشش دولت، معارف افغانستان را ده سال به عقب برد ودولت مجبورشد زبان تدریسی درمکاتب رادر مناطق پشتوزبان به پشتو ودرمناطق دری زبان به دری دوباره عوض کند.

(در شمارهٔ آینده ابعاد دیگر این کمپاین زبانی رابه بررسی میگیریم.) /

بایدنظر داشت آنچه در زعامت کشور ما ... (دنباله از صفحهٔ دوم)
- عدم صدور فرمان غ به قوای نظامی افغانستان که درمیدان طیارهٔ ولایت قندز برای حمله برطالبان سازماندهی شده بود، که بالاترین خیط بزرگ، قندز به سقوط مواجه شد. البته این واقعیت توسط وزیر داخله نورالحق علومی و قوماندانان امنیهٔ ولایت قندز به رسانه های خبری ارائه شد که همه آنرا مشاهده کردیم .

- عدم توجه یا بگویم عدم خواست عمدی مغزگندیدهٔ جهان دراجازهٔ حمله قوای نظامی کشوریبه دندغوری که بالاخره بعدازچندین هفته تأخیرصورت گرفت،

- واخیراً هم ازین بردن استحکامات نظامی وقوی کشوردرسه ولسوالی ولایت هیرمندبه بهانهٔ بسیارنامعقول (تکنیک نظامی) که در حقیقت هر سه ولسوالی رانظیر دندغوری به طالبان و پاکستانیهاپخشیدند و باتأکید درین خیانت ملی بزرگ تلویزیون آریانا(مربوط محترم مسکینیار) ویدئوی مستند این خیانت ملی رابه نمایش گذاشت که نشان می داد عساکرپاکستانی با خواندن سرود ملی پاکستان

بیرق آن کشوررا درپهرامچه یا پهرامشاه بلند میکنند. من درین قسمت بامحترم مسکینیار وهمه افغانهای وطنپرست و با دردی که تلفون کردندوبه این دوزعیم ووطنروش لعنت فرستادندو گفتند اگراین دوخاین کوچکترین غیرتی دارند جای اینست که انتحاربکنند تا کشورعزیز ما ازشرشان رهایی یابد، همراه میباشم ، همه وهمه یبانگرتست که غ مثل کرزی به برادران ناراض سیاسی اش علاقه وخوشبینی فوق العاده دارودهمانطوریکه در تبلیغات انتخاباتی اش به جهر می گفت که (صدهاطالب رادر آوان حکومت کرزی از بند رها کرده ام، اگر رئیس جمهورشوم ازین بیشتررا آزاد میسازم!) باور فرماییددروغ نمی گفت. بر افروختگی وعصبانیتش در دیدار ازبندخانه های کابل ولولایات که گفت (این انصاف وعدالت نیست که همه بندیخانه ها از یک قوم پرشود)! بکلی این واقعیت را ثابت میسازد که اوچقدر ازین دشمنان ملت ما که به هزارهاهزار زن و مردم وخردوبزرگ مارا ازهر تناری که هستیم، محض برای حصول اهداف سیاسی پاکستان درین پانزده سال کشته وهنوزهم میکشد، بسیار ظالمانه، غیر مسئولانه وجاهلانه دفاع میکندوبامشورهٔ کا کاکی ارگ نشینش قیوم کوچی، هنوز هم طرفدار اعادهٔ حقوق وحیثیت از دست رفتهٔ برادران طالبش است ! چنانکه اخیراً درمذاکرهٔ مخفی با طالبان در یکی از کشورهای عربی که به نمایندگی ازارگ، کاکایش قیوم کوچی ووزیر داخلهٔ اسبق فاروق وردک اشتراک کرده بودند گفته میشودیکی از آنها از نمایندهٔ طالبها معذرت خواست و طالب بخشایش شده است.

این یک سلسله واقعبینهارا درقسمت دوستی ودفاع غ ازبرادران مخالف سیاسی اش برای آن نوشته که درچنین وقتیکه موضوع صلح باطالب در جریان است، مامردم افغانستان ازهر قوم وتباری که هستیم، برای حفظ آبرو، حیثیت، ارزشهای ملی ومخصوصاً سلامت کشور بدون اعتماد به ولسی جرگه، عبدالله و تیمش که متأسفانه نتوانستند جلو خودخواهیها وفصله هاوبکه تازهای این مغز گندیدهٔ جهان را بگیرند، باید متر صد اوضاع وانکشافات وقبول خواسته هاوفصله های این مذاکرات باشیم، چرا که اخیراً طوریکه به یقین همه ازاظهارات نمایندهٔ ارش غ در یکی از رسانه های خبری شنیدم، درحالیکه هنوز با طالبها مذاکرهٔ صورت نگرفته، شرایط وخواستههای آنها به غ رسیده و او مثل گذشته بدون مشوره با کسی، یکی ازین خواستههارا رد، باقی همه را پذیرفته است.

نمایندهٔ ارشد غ خواستههای طالبانرا چنین برمی شمارد :

۱- این حکومت(وحشت ملی) ازین برود و یک حکومت مؤقت ایجادشود تا زمینه رابرای انتخابات آزادمها سازد(پلان وحید وحیدالله)

۲- همه بندیهای طالبها از گوانتانامو رهاشوند،

۳- طالبها ازلست سیاه امریکا بیرون شوند،

۴- امریکابه تدریج درطرف مدتیکه تعیین میشود افغانستان راترک بگوید.

۵- قانون اساسی افغانستان باید تعدیل شود. بگفتهٔ نمایندهٔ ارشد، غین بجز درخواست اولی، خواستههای دیگرطالبان راقبول کرده است!

دربارهٔ زنده ساختن شورای صلح وتعیین گیلانی دررأس این شورا که هنوز به چو کی نانشسته فتوا میدهد که جنگ باطالبها جایز نیست!

- اظهار جانبدارانه وابلهانهٔ مغزگندیدهٔ جهان درطرفداری ازبرادران طالبش که (این طالبها نیستند که در کشور مابعث ترور ووحشت میشوند بلکه گروههای تروریستی دیگری اند که به چنین جنایات دست میزنند!

- و یا تهدید و اخطاراین مغزگندیده به گروهای القاعده داعش در مراسم توزیع شهادتنامه های دانشگاه نظامی مرحوم قسیم فقیه، که (اگر از آدمکشی و جنایت در کشور ما دست نکشید، بزودی نیستی نابود میشود)! بدون آنکه از عامیانی واقعی این جنگ که طالبان هستند، نام ببرد !

- حضور لوی درستیز پاکستان درمراسم معرفی قوماندان نظامی تازهٔ امریکا در افغانستان که یک امر تازه، نادر، حیران کنندهٔ پرازتشویش ونگرانی خاص است، - اظهارات سرتاج عزیز مشاور ارشد صدراعظم پاکستان بامقامات امریکا در واشنگتن که گویی نمایندهٔ واقعی طالبان است،

- مذاکرهٔ تلفونی بارک اوباما بامغز گندیده واطهارخوش بینیی از جریان مذاکرات چهار کشور درمقاعدهساختن وآوردن طالبان بریزم مذاکرات صلح ! ، - کمکهای نظامی روسیه به افغانستان (۱۰هزار کلاشنکوف) و وعدهٔ کمکهای بیشتر، وهمین قسم، کمکهای نظامی چین به افغانستان، همه میرسانند که درصلح باطالبها مساعی زیادی درجریان است .

در پایان باید گفت که اگر قبول کنیم یانکنیم، خوشین باشیم یانایشیم، اعتماد به پاکستان ودوستان امریکایی ما داشته باشیم یاناشسته باشیم، از فحوا وورای این گفته ها ورویدادها وخوشبینی ها وامیدوارها که گزارش می یابد، یک چیز ولو که بسیار نمای روشن ندارد، به فکر من درحال قوام گرفتن یابه اصطلاح آبتسن است که آن، پیاده کردن صلح در کشور ما می باشد. درین شکی نیست که من وبه یقین اکثر مردمان کشورم درین چهارده سال اعتبار واطمینان خود را از پاکستان، دوستان امریکایی وزعمای کشور خود بنابر اقدامات نادرست ووعده های میانحالی و شکستن تعهدات شان درآوردن صلح ازدست داده ایم، و بسیار مشکل است این راقبول کنیم که مذاکرات کنونی در آوردن صلح درست باشد و ما باز هم قربانی بازی سیاسی دیگری نشویم که حق هم داریم .

اما اگر اینبار بکلی مأیوس نبوده از یک فیصدخوشبینی احتمالی کار بگیریم، که شاید اینبار طالب وپاکستان ودوستان امریکایی مانیز منفعت شانرا به این ببینند که این کار باید صورت بگیرد، واین مذاکرات واقعا بایت وارادهٔ آوردن صلح بره انداخته شده باشد، باید بادر نظر داشت آنچه درشناخت، موقف، شخصیت واعمال کرده وناکردهٔ این دورهبرو حشت ملی به تفصیل دربالا یاد کردیم، که برای منافع شخصی وقومی وسمتی شان، کشور را بهچهار مشکلات رو برو ساخته اند، وظیفهٔ وطنی، ایمانی وانسانی ماسک به سخت به این مذاکرات وانکشاف وتوافقات و فیصله های آن، که سرنوشت و آیندهٔ ما رقم خواهد خورد، متوجه باشیم، که بداختهواسته عزت و شرف و استقلال وازهمه گذشته سلامت این کشور که افغانستانش می نامیم، ازهر زردوندی مصون بماند. /

اوباما در مسجد بالتیمور (دنباله از صفحهٔ سوم)
رفت وبه مسلمانان امریکا اطمینان دوباره داد، ولی آقای اوبامای عیسوی مذهب این تقاضا را که از یک مسجد دیدار نماید، برای سالها نپذیرفت. به اساس یک همه پرسی شبکهٔ CNN/ORCدرماه سپتمبرسال پیش، ۴۳٪ جمهور یخواهان و ۲۵٪ دموکراتهای امریکا فکر میکنند که اوباما یک مسلمان میباشد. مشاوران اوباما هراس داشتند که دیدار از یک مسجد آن نظر راتقویت می بخشد. ولی در آخرین سال دوران ریاست جمهوری خود، آقای اوباما، بسیاری از آن احتیاط کاری هارا کنار گذاشت واکثرا درمورد مسایل نژادی، اعتیاد و دین در قالب عبارات شخصی صحبت میکند.

مامورین حکومت امریکا اظهار داشتند که دربارهٔ دیدار آقای اوباما از مسجد بالتیمور درحلقه های داخلی حکومت بحث خیلی اندک صورت گرفت. این نظر که باید اوباما از یک مرکز اسلامی در امریکا دیدن کند، سال پیش در قصر سفید خلق شده بود. اوباما که در جریان سخنانی در مسجد بیان داشت، بحث در بارهٔ دین وآیین یک رئیس جمهور یک گپ نو نمیباشد، حضار رابه خندهٔ قاه قاه واداشت، (من اولین کسی نمی باشم که مسلمان خوانده شده ام، مخالفان تو ماس

جفرسن هم تلاش کرده بودند راههایی راجستجو کنند تااورا یک مسلمان معرفی نمایند.)

سخنرانی بالتیمور برای آقای اوباما اعترافی بود که دریانات دانشگاه قاهره که تقاضا کرده بود (تلاش دومادر صورت گیر د تاهمدیگرا گوش دهیم واز یک دیگربیاوموزیم وبه همدیگر احترام قابل باشم و یک فضای مشترک ایجاد کنیم.) پیشرفت چندانی دیده نمیشود. درسخترانی روز چهارشنبه اواشاره کرد که امید برای آشتی ومصالحه صدمه دیده است، ولی از تمامی امریکاییها تقاضانمود که به ارزشهای که توسط بنیاد گذاران امریکاتشخیص شده است، پابند باشند. مسلمانان حاضر در اجتماع سخنرانی، از بیانات رئیس جمهور اوباما استقبال کردند. اندری کارسن، نمایندهٔ دموکرات ایالت اندیاناکفت: (به نظرم این بیانیبه بهترین بیانیهٔ بود که تا حال داده شده است.) کیت ایلسن نمایندهٔ دموکرات از ایالت منوسوتا بیان داشت: (بیانیه بدلم نشست وپادزهری بود علیه افزایش تعصب وتحمل ناپذیری.) آقای ایلسن افزود (من دختری دارم ۱۹ ساله و یک مسلمان میباشد، آرزو داردم به ملت خود کمک کند، این مرا میگذرد که چراشخصی که آرزوی رسیدن به ریاست جمهوری دارد، میخواهد اوبا محروم سازد؟) اما مارتن کلین، رئیس سازمان صهیونیستی امریکا، یکی از قدیمیترین و بزرگترین نهادهای حامی اسرائیل در امریکا، اوباما را بخاطر سفر به یک مسجد نکوهش کرده گفت: (مسجدی که رهبرانش در میان مسایل دیگر عملیات نظامی اسرائیل را انتقاد می کنند، حضور در آن تنها افراطهای مسلمان راتشوئق مینماید که به امریکاصدمه برسانند.) مامورین قصر سفید ومسئولان مسجدو جامعهٔ اسلامی بالتیمور به جواب مارتن کلین نپرداختند. ابراهیم هوبر یک سخنگوی شورای روابط اسلامی امریکا گفت: (هر مسجد همین طور مورد حمله قرار گرفته است.)

نگرانی دربارهٔ مسلمانان ومهاجران سوری زمانی در امریکا افزایش یافت که دهشت افغان در ماه نوبر ۲۰۱۵ باحمله درپاریس ۱۳۰ نفر را کشتند و یک زن وشوهر بریک اجتماع در سان براردینوی کالیفرنیا ۱۴ نفر را دردسمبر ۲۰۱۵ به قتل رسانده و ۲۲ نفر را مجروح ساختند. به باور شورای روابط اسلامی امریکا، پس از آن، حمله برمسلمانان امریکا ومساجد بالاگرفت. شماری از مسلمانان برجستهٔ امریکا در یک جلسه در قصر سفید در ماه پیش بامامورین ارشد حکومت، به امید آنکه دیدار رئیس جمهور اوباما از یک مسجد، این نوع حملات وتنشهارا کاهش میدهد، خواهان چنان دیدار شدند.

یک بخش بیانات آقای اوباما در مرکز اسلامی بالتیمور (دارای بعضی حقایق بنیادی) دربارهٔ اسلام وایالات متحده امریکابود که به باور وی رسانه های خبری در ارائهٔ آنها به مردم عاجز بوده اند. حقایق ارائه شده شامل آن بود که اسلام دین صلح میباشدوشماری از اولین مهاجرین امریکا، مسلمانان بودند، تاماس جفرسن ودیگرتهدابگذاران امریکا در پی آن بودند که آزادی عبادت مسلمانان تضمین شود. مسلمانان درسراسر امریکاحضور دارندوبحیث داکتر، آموزگار، سرباز و ستاره های ورزشی خدمت می نمایند.

آقای اوباما گفت بسیاری از امریکاییها پس از حملهٔ ۱۱ سپتمبر دربارهٔ اسلام شنیده اند، این وضع باید تغییر یخورد (نمایشات تلویزیونی ما باید شخصیتهای مسلمان داشته باشند، این موضوع به امور امنیت ارتباط ندارد، استخدام مسلمانها کار مشکلی نمی باشد، زمانی بود که هیچ سیاهپوست در تلویزیونهای امریکا وجود نداشت.) آقای اوباما این راهم بیان داشت که کسانیکه ادعا میکنند امریکابا اسلام درجنگ میباشد، نه تنها این موضوع این نوع گروهها رانام دولت اسلامی (داعش) مشروع نشان میدهد، بلکه ادعا کننده بصفهٔ بازچپه در دست داعش عمل مینمایند. این نوع طرزدید به دشمنان کمک میکند تا به استخدام سربازیشتر دست بزنند و امنیت مارا به خطر اندازند.)

دورس گودون، یک محقق وابسته به ریاست جمهوری، دیدار اوباما را از مسجد بالتیمور واطخار دادن اورا به گفتار ضد مسلمانان، مثل اخطارهای تلفنی کرد که توسط دورتیس جمهور دیگر صورت گرفته بود: جارج واشنگتن مردم امریکا رادر برابر دسته هاییکه با کسب قدرت روز افزون، دشمنی راعلیه یکدیگر سبب میشدند، اخطار داد. دیوید هابزنهاور ازنفوذ بیجای ارتش در مجتمع صنایع جنگی مردم را بر حذر داشت .

آقای اوباما سخنرانی خود را بادادن اطمینان به مسلمانهای امریکا خاتمه داد: (شما تنهائی باشید، دوستان امریکایی تان در کنار شما ند، به دیگران (عیسویان) یادآوری نمود که تنوع و کثرت گرایی در کشور سبب ضعف نبوده، یکی از بزرگترین توانایی ما میباشد. مایک خانوادهٔ متحد امریکاهستیم، ماباهم سقوط میکنیم وباهم عروج مینماییم.) /

روز جهانی زن مبارکباد (دنباله از صفحهٔ سوم)

وفراکسیون بازیهای جنسیتی رادامن نمی زنند، بل برای عدالت واقعی اجتماعی کار مینمایند، با ایشان همکاری مینماید، سازمان ملل متحد و کشورهای صلح دوست وآزادخواه جهان، از خدمات زنان شایسته وباسته جهان به نیکویی وقدر دانی یادآوری می نمایند، سر منشی سابق ملل متحد آقای کوفی آنان در سال اخیر وظیفه اش بحث سر منشی سازمان ملل متحد گفته بودشرایط روز تاروز برای سر منشی شدن یک زن بعنوان سر منشی ملل متحد اماده شده، هر چند یازده خانمی که در رأس قوه اجراییه کشورهای شان را بان کی مون سر منشی ملل متحد ناکافی میدانند، باید خاطر نشان ساخت که مشکل زنان افغانستان زمانی بیشتر در سطح جهانی بازتاب یافت که خانم بونو مشول کمکهای انسانی اتحادیه اروپادر آغاز هزاره جدید وتجلیل از هشت مارچ با شعار دسته گلی به زنان افغان آنرا صبهغه بین المللی دادوازان تاریخ به بعد مشکلات زنان افغانستان در محراق توجه قرار گرفت .

اکنون نهادهای که در راستای حقوق بشر کار مینمایندوهکذا موسسات وابسته به ملل متحد چون یونسف، یونسکو، سازمان خوراکه و زراعت جهانی، سازمان کار، فدراسیون بین المللی ژورنالیستان، کمیتهٔ خبرنگاران بدون سرحد، انجمن داکتران بدون مرز، اتحادیه حمایت از گرازشگران وخبرنگاران ونهادهای موازی بدان مشکلات وناسامایهای کشورهای جهان سوم رابطورعام واز کشورمارا بصورت خاص ضعف بزرگء گاری زعمای سلف پنداشته اند، روی این اصل قسمی وانمود داشته اند که کشورهای درحال کدار ازچرانهارا مردانی که موفقانه رهبری نموده اند و یا از زمرهء بلند پایگان موفق دولتی بوده اند، و بالاخره در هر کار موفقیت آمیز، زانی موفقی داشته اند که اوشان را همکاری و یاری نموده اند، روی این اصل است که توجیه میدارند:

زن خوب فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشاه

زن بد در سرای مردنیکو اندرین عالم است دوزخ او

روز جهانی زن به همه زنان وطن و جهان مبارکباد. /

بی بی سی فتنه انگیز ... (دنباله از صفحهٔ سوم)

شک و تردیدی باقی نمانده است که کلمهٔ افغان فقط معنی (پشتون) دارد و بس. آنهائیکه هنوز هم به این باور اند که افغان به تمام ملت افغانستان اطلاق شده میتواند بایست از خواب گران برخیزند و دلایل منطقی منتشره مخصوصاً علمآوادبای ادبیات پشتو رابنظرنیک نگر یسته از قرآن پیروی نموده (دنباله در صفحهٔ هفتم)

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵دالر- یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایرکشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

به استقبال نوروز، سال نو و آمدن بهار

آمد بهار و یاد وصالی همی کنم
در آستان سال نو و فصل عاشقی
پیغام سال نو به عزیزان اگر برد
صد جان فدای باد شمالی همی کنم
باساقی جوان و شراب کهن، دمی
نادم ز کار و بار قبیح گذشته ام
باشستوبه اشک ندامت ز گردپار
باشوق و ذوق اگر به عمل دست میزنم
زیباست کائنات، درین فصل جانفرا
تا حاصل مزید نصیب وطن شود
باید ز حاصلات خود آققدر بدروم
من عاشقم به صنعت مبین زروزی مهر
چینی کجا ز صنعت اساتلف است به؟
امشب ز غصه، با پر و بال سخن امیر
مرحوم الحاج سید امیر انصاری رح

نظری بر کارهای هنری حیدرزاد ... (دنباله ازصفحهٔ هشتم)

کله ام رایش کردم وازخانمی که دم دروازه بود پرسان کردم که چه است؟ گفت: یک نمایشگاه اعضای انجمن ملی مجسمه سازان امریکاست ! وبه من گفت : خی خودت زودتر ازینچه تیر شو که مهمانان می آیند. چون لباس من مناسب هم نبود، ازهمانجا که برآمدم خداهشاهداست که گریه کردم، تاعرف خانه که میرفتم گریه کردم، که مه یک وقتی چیزی بودم امروز مه هیچ چیز نیستم.].

گوینده: زمانی که امان الله حیدرزاد درلیسهٔ حبیبیه بود، استعداد آشکارس دولتمردان وقت رابرانگیخت وباعت شد تاواردر سال ۱۹۶۰ جهت تحصیلات حرفوی در رشتهٔ مجسمه سازی به ایتالیافرستند.

حیدرزاد: خدایبخشد شادروان محمدعمر وردک رئیس سارندوی بود، من برایش گفتم یک چیزی (مدالیون) ازسردارمحمدداوودخان را ساخته ام، میشود آنرابرایش بهدیم؟ گفت چرانی بسیارخوب . سردارداوودوخان آدمومن مدالیون رابرایش دادم، داوودخان سبل کرد، گفت این رازکجا کردین؟ (جواب دادند که) این -امان الله حیدرزاد- آنراساخته. گفت: هیچ باورنی کنم که این راافغان ساخته باشد، خدا یبخشدعلی احمدخان گفت: نی، خودهمین شخص ساخته . همان بود که پیش روی تقریباًچندصد تروپ سارندوی که آنجا ایستاده بودند، گفت : فوراًیک سکارلشپ از ایتالیا بخواهید که برود ایتالیا .]

گوینده: امان الله حیدرزاد در ایتالیا تراش سنگ مرمر را درشهرک کارارا آموخت، حیدرزاد در جریان تحصیل درشهر روم ایتالیا در نمایشگاههای مختلف اشتراک کرده و آثارش جوایزی رابرایش به ارمغان آورده است. (توضیح بیشتر اززیان پروفیسرحیدرزاد) : صنف دوی اکادمی بودم که یک نمایش بین المللی دایر شد ومراهم مجبور کردند که یک اثر خود رادر آنجا بردم، تصادفی جایزهٔ اول راگرفت، ومدال طلا را ازطرف رئیس جمهورایتالیا گرفتم .

گوینده: دربازگشت، حیدرزاد نخست به تدریس درلیسهٔ صنایع مشغول شد، و پس از اندکی پیشنهاد ایجاددیارتمنت هنرهای زیبا را در کدر پوهنتون به مقامات ارائه کرد. (صدای حیدرزاد) : یک سالی که درمکتب صنایع تدریس میکردم، تهداب سنگتراشی مرمر رادر آنجا تأسیس کردم، ودرعین زمان خواستم که یابدیبرای شاگردان مکتب صنایع تحصیلات عالی فراهم شود، برای اینکه وقتی ازصف دوازدهم می برآیند، اگرمیخواهند معلم آرت وهنرشوند یابدمعلم خوب آرت وهنر شوند واگرمیخواهند هنرمندشوند، هنرمندخوب و تحصیل یافته شوند .

گوینده : بعداز آنکه حیدرزاد به ایالات متحده مهاجرشد، وبه عضویت انجمن پیکرتراشان ایالات متحده درآمد، در اندک زمانی توانست هنرش را درن مایشگاه ها ورقابتهای بین المللی به نمایش بگذارد، وبعنوان یک هنرمندافغان در سطوح بلند جاجوش کند. حیدرزاد میگوید در تابستان امسال که مصادف با هشتادمین سالگرد زندگی اش میشود به کابل می آید تا درمراسم رسمی موزیم آثارش شرکت کند. / (صدای امریکا، ۲۶ فبروری ۲۰۱۶)

برای انتخاب هیئت اداری مجلس رشوت ملیون دالری سرازیر شده است

۱۰مارچ/ کابل - نور تی وی:شماری ازاعضای مجلس نمایندگان ادعا دارند که ملیونهادالربرای تعیین هیئت اداری این مجلس پایین و بالا شده است. بگفته آنان همین دلیل تا کنون آنان موفق نشده اندهیئت اداری مجلس را انتخاب نمایند. یک هفته از آغاز کار مجلس نمایندگان می گذرد؛ اما نمایندگان در انتخاب معاون اول ودوم مجلس تاکنون موفق نشده اند. مسعوده کروخی وکیل مجلس میگویدشماری از اعضای مجلس که برای احراز کرسیهای هیئت اداری خود را نامزد کرده اند به دیگر اعضای مجلس رشوت پرداخته اند.این باریختست نیست که شماری از نمایندگان مجلس منهم به فسادمیشوند. پیش از این نیز بارها گفته شده است که شماری از نمایندگان مجلس از وزیران در زمان استیضاح و استجواب رشوت گرفته اند.

شماری از آگاهان سیاسی میگویند کم رنگ بودن نقش احزاب سیاسی در مجلس نمایندگان سبب شده تا زمینه فساد و کشمکشهای قومی در مجلس افزایش یابد. بعضی از نهاد های مدنی میگویندمجلس در کار نظارت از اعمال حکومت در یک سال گذشته موفق نبوده است .

پلیس در سرپل یازده غیر نظامی را از قید طالبان رها کرد

۱۴ مارچ/ سرپل - نور تی وی : پلیس در سرپل یازده غیر نظامی را با میانجیگری بزرگان قوم از نزد مخالفان مسلح دولت رها کرده است. سید قتیب الله سادات آمر اوپراسیون فرماندهی پلیس ولایت سرپل می گوید که این غیر نظامیان سه روز پیش در منطقه قفلاتون ولسوالی صیاد از سوی طالبان ربوده شده بودند و دیروز با میانجیگری بزرگان قوم رها شده اند .

تاجک، ترکمن، عرب، قرغز؛ قزلباش، گوجر، و هزاره. چون سرشماری دقیق ومستندبه اساس قواعد احصائیوی بدست نیست نزدما اکثریت و اقلیت مفهومی ندارد و نباید در یک وثیقهٔ ملی بغلط از آن استفاده شود). برهر فرد از افراد ملت افغانستان کلمهٔ افغان (پشتون) اطلاق میشود...)

باساس معلومات فوق و اوامرخداوندی، کس نمیتواند که (پشتونیت) رابر دیگران به جبر وزورسالاری بقبولاند؛ بازهم ضدتعلیمات قرآنی است که جبر را روا نمیدارد. از جانب دیگر مشکلات و سختیهای را که بر مردم غیر پشتون با این قانون اساسی وارد کرده اند؛ از آیهٔ متبرکهٔ که خداوند(میخواهد برای شما آسانی ونمی خواهد دشواری) پیروی نشده است.

۴- گمان نمیکنم که DNAمن با دی ان ای غلجایی و درانی یکسان باشد؛ تا وقتیکه ثبوت نشده است که ما با پشتونها DNAمشابه داریم من وهمقطاران من؛ افغان که (پشتون) معنی دارد نبوده، افغانستانی هستیم وافغانستانی باقی خواهیم ماند واگر زمینهٔ انتخاب نام دیگربرای افغانستان میسر شودمن اسم باستانی آریانا راپیشنهاد میکنم.

۵- ما خود را در همه جا تاجک افغانستانی، از یک افغانستانی، پشتون افغانستانی وقس علیهذا معرفی میکنیم و امید میرود مثلیکه، امریکن هندوستانی، امریکن ترکمنستانی، امریکن پاکستانی و دیگران شناخته شده اند ما هم به اسم اصلی ما شناخته شویم تا بر مغرضین و دشمنان قسم خوردهٔ افغانستان زمینهٔ فتنه انگیزی، تفرقه و فریب وخدعه کاری میسر نشود.لذا در تذکرهٔ الکترونیکی افغانستان باید این حق ملیونها افغانستانی تلف نشده اسم هر قوم که جزء ملت افغانستان شمرده شده اند واضحا در تذکره ها درج گردد! تا به گفتهٔ فیض کاشانی :

بیا تا مونس هم، یار هم، غمخوار هم باشیم
انیس جان غم فرسودهٔ بیمار هم باشیم
شب آید، شمع هم گردیم وبهریکدیگرسوزیم
شود چون روز، دست و پای هم در کار هم باشیم
یکی گردیم، در گفتار و در کردار و در رفتار
زبان و دست و پا یک کرده، خدمتکار هم باشیم
نمی بینم به جز تو همدمی، ای (فیض) در عالم

بیا، دمساز هم، گنجینهٔ اسرار هم، باشیم
والسلام علی من اتبع الهدی.
ماخذ : ۱- لغتنامهٔ دهخدا، جلد دوم، صفحه ۳۰۸۸ - ۲- همانجا، صفحه ۳۰۰۶
۳- زلمی هیو امل، دشتوادیاتو تاریخ، صفحه ۹۱ چاپ الم ۱۳۷۹، نومبر ۲۰۰۰
۴- دیوان رحمان بابا صفحه ۴۷، یونیورسیتی یک ایجنسی، خیبر بازار پیشور
۵- همانجا، صفحه ۱۵۶ - ۶- شهرت ننگیال، ددوزخونو په لمبو کی سوزیدلی جنت، صفحه ۲۶- ۲۸ چاپ دانش کتابخانه چاپ دومه غبرگولی ۱۳۷۶.
۷- گل پاچا الفت، د الفت مرغری، صفحه ۷۰ چاپ سوم سال ۱۳۷۵
۸- همانجا، صفحه ۸۰- ۹- شهید موسی شفیق، مهتمم شهرت ننگیال، صفحه ۱۶۰ چاپ دانش کتابتون، مرغومی ۱۳۷۹ - ۱۰- پشتو قاموس، جلد اول، شعبهٔ لغات پشتو توله، صفحه ۵۵۸

۱۱- حبیب احمد حاجتی، آقای رئیس جمهور من حرامی نیستم! در افغان پیر.
۱۲- عبدالحمید محتاط، تاریخ تحلیلی افغانستان، صفحه ۶۱۰- ۶۱۱ سال ۲۰۰۴

فرهنگیان شی در سوگ تندیسهای بودا نشستند

۱۰ مارچ/بامیان - صدای امریکا: طالبان ۱۵سال پیش یکی ازبزرگترین نمادهای فرهنگی افغانستان رابا خاک یکسان کردند. اماهنوزهم فرهنگیان افغان، در سالروزتخریب تندیسهای صلصال وشهامه در بامیان گرد هم جمع شده در سوگ مینشینند. امسال نیز درمغارهٔ جوار تندیس ۵۳متری صلصال که نقش ونگارهای آن در اثر جنگهای داخلی وافجارات طالبان، به شدت آسیب دیده است؛ دهها تن از فرهنگیان، مسئولان یونسکو و اداره محلی بامیان گردهم آمده از این روز یاد بودبعمل آوردند.

نمایش فلم مستندتخریب بودا،اجرای شعر، موسیقی محلی، تیاتر در روشنایی نورار یکین در این مغاره، گوشه هایی از برنامه یاد بود سالگرد تخریب این مجسمه ها بود.

محمدطاهر زهیر والی بامیان تخریب مجسمه های بودا را توسط گروه طالبان بزرگترین فاجعه فرهنگی بشر خوانده، این عمل طالبان را وحشیانه ترین کارضد فرهنگی یاد کرد. وی گفت بقایای میراث های فرهنگی بامیان بخصوص دو مجسمه عظیم بودا انتظار توجه دولت افغانستان، جامعه جهانی، سازمان علمی فرهنگی یونسکو وسازمان ملل متحد رادارد. او از ملل متحد خواست این روز را در تقویم جهانی ثبت کرده و آن را رخصتی عمومی اعلام کند.

ماسورنی ناگاو کا رئیس بخش فرهنگی یونسکودرافغانستان، می گوید سازمان یونسکو ودولت افغانستان طی یک دهه اخیر، برنامه مشترک خوبی را جهت استحکام کاری وحفظ نقش دیوارهای مغاره های بودا در بامیان انجام داده است. وی افزود برنامه استحکام کاری بودای شرقی یا شهنامه از سال ۲۰۱۳به پایان رسید و همان گونه که مشاهده می کنید، خوازه هادر رواق مجسمه صلصال نصب شده و قراست است امسال کار مرمت واستحکام کاری آن ازسوی یونسکو آغاز گردد .

او از اداره محلی و باشندگان این ولایت خواست تادرحفاظت از منظره فرهنگی بامیان تلاشهای بیشتری به خرج دهند.

مسئولین بامیان وفرهنگیان کشور از سازمان یونسکو خواستند تا هشت آینده تاریخی ثبت شده درلست موقت میراثهای جهانی افغانستان در این ولایت رادر فهرست دایمی میراثهای جهانی شامل سازد. روح الله فروغ رئیس دفتر کمسیون مستقل حقوق بشرافغانستان در بامیان با نگرانی از وضعیت کنونی آبدات تاریخی افغانستان، تخریب مجسمه های بودا راجنایت ضدبشری خوانده خواستار شناسایی ومجازات عاملین آن شد.

او گفت براساس یک تحقیق که تازه ازسوی کمسیون مستقل حقوق بشر انجام شده اگر تادهسال آینده، آبده های تاریخی بامیان دراین وضعیت نگهداشته شود، همه نابود خواهند شد.

برگزار کنندگان این برنامه ازدولت افغانستان وجامعه جهانی، خواستار مرمت وبازسازی مجسمه های تخریب شده بودا در بامیان شدند.مریم شریفی یکی از برگزار کنندگان برنامه شی با بودا گفتاز دولت افغانستان میخواهیم تا بودجه مشخص راجهت بازسازی آبدات تاریخی بامیان در نظر گیرد ونهادهای فرهنگی جهانی، تلاش بیشتر درجهت مرمت وحفاظت این آبده ها مبذول دارند .

کبیر دادرس رئیس اداره اطلاعات وفرهنگ بامیان، وضعیت فعلی آبده های تاریخی بامیان را نگران کننده یاد کرده گفت نبود بودجه کافی برای حفظ و نگهداری این آثار تاریخی از جمله مشکلات عمده این اداره است.دادرس گفت تمام ساحات آبدات تاریخی که در گذشته، ماین فرش شده بود خوشخانه ماین رویی شده واکتون نیاز جدی ما بودجه کافی وافزایش تشکییل گاردهای محافظتی آبدات تاریخی است.

براساس روایات تاریخی، مجسمه ۳۳متری صلصال و ۳۵متری شهنامه بودا در بامیان، درقرنهای پنجم وششم میلادی در طی سه قرن ساخته شده بود .



شادروان محمدعصیم بامهمان وهمصنفی اش بینو درجورج میسن یونیورستی، در جشن عروسی برادر کالاش، محمدقویم کوشان، در ورجینیا (۲۰۰۱ع)
پیام های دوستان به خاطر وفات شادروان محمدعصیم کوشان، همکار اولی وپر کار هفته نامهٔ امید

داکتر عبدالواحد قاری، آلمان : انالله واناالله راجعون. کوشان عزیز، نورچشم گرامی! داکتر تمیله! ازفوت ناہنگام ارجمند عزیزتان توسط نواب جان خبر شدم . به این وسیله مراتب تعزیت وغمشریکی خود را ابراز داشته، از بارگاه ایزدمتعال برای متوفی جنات نعیم وبرای شما، مخصوصا مادر دردمندش صبر جزیل استدعا می کنم .

همسایهٔ در به دیوار، خانم سندی استیفن :

Dear Samila and Mohammad,

May it bring you peace that your loved one is surrounded by love and light in a place where sorrow cannot follow. I was saddened to learn of Aseem's passing. I will pray for your healing. With sympathy,

Sandy Stephens

To our dear neighbors

during this difficult time, please knows that you are not alone. Sharing your loss with deepest sympathy, I am so very sorry. Wishing you peace and hope. Our thoughts and prayers go out to you over the tragic loss of your son Aseem. We pray that you find strength and comfort in his memories. Sincerely,

Your neighbors, Donald, Megan and Violet

نوشته وعکس بالا از همسایهٔ در به

دیوار، خانم میگی لیونز، دخترش

ویولت، و شریک زندگی اش آقای داتالد می باشد.

عتیق الله کارک، ورجینیا : برادرم جناب محترم کوشان صاحب !

ازباع عمر آن گل نورستهٔ مرا گلچین روزگار به صدجور چیدورفت جز درد ورنج نیست درین رهگذار عمر خرم کسی که زود به منزل رسید ورفت آی پسرمن ! به همگان به سر شود بی توبه سرنمی شود

داغ تو دارد این دلم جا جای دگر نمی شود
جناب کوشان صاحب! در دهر نه تنها من وتو بسمل یأسیم

گر باز شگافی دل هر ذره دو نیم است،
چه عزت چه خواری اقامت محال است
بهر رنگ ازین رهگذر رفته باشی
سلامت درین کوچه وقیتست ییـدل
که از آمدن پیشتر رفته باشی
کار من بیچاره قوی بسته شده
بگشای خدا یا که گشاینده تویی
مرهمی لطف کن که خسته دلم
مرحمت کن که بس شکسته دلم
خداوند برای تان صبر جمیل عطا فرماید. آمین یارب العالمین.

بی بی سی فتنه انگیز ... (دنباله ازصفحهٔ ششم)

حقوق حقّهٔ قبایل دیگر راه شناخته به نظر قدر بنگرند.

اکنون بر میگردیم به قسمت دوم این مضمون ومن میگویم : (افغان نیستم بلکه افغانستانی ام) و آنهایکه گفته اند افغانستانی بودن جرم است وبابه غیر پشتون کلمات تحس و سر بازاری حرامی (۱۱) استعمال نموده اند باید تلویزیون ژوندون، یون و جنرال طاقت، سرگری بیان زده از مردمان سلحشور غیر پشتون (تاجک، ازبک، هزاره وغیره) پوزش ومعذرت طلب نمایند. زیرا:

۱- گمان نمیکنم که(پدر این بوم قوم (پشتون، خرشون زاده)، یک اولس، یک زبان؛ پدر تاجک، ازبک، هزاره و یادیگر غیر پشتونها هم شده بتواند).
۲- چون پشتون از غیر پشتون کاملاً متفاوت اند، پس: شناخت دیگر قبایل به اساس آیهٔ متبرکهٔ فوق بر ما فرض است و هیچ پشتون (افغان) بر غیر پشتونها برتری ندارد مگر به تقوا، علم و فضیلت .

- آنچه مادهٔ چهارم قانون اساسی مینگارد بر ملت افغانستان جفای بیش نیست. این ماده چنین نوشته شده : (حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آنرا اعمال میکنند. ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادیکه تابعیت افغانستان (باید به (کسانیکه در افغانستان تولد شده اند) تبدیل گردد، زیرا اکنون یکتعداد زیادی پاکستانیها تابعیت افغانستان را به اساس مشورهٔ ای اس آس بدست آورده اند که جز ملت افغانستان نیستند) را دارا باشند. ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغز، گوجر، و سایر اقوام میباشد. (برای رفع برتری و به اساس روش دموکراسی و ادبیات امروزی اسمای این اقوام باید به اساس القبا ترتیب شود، یعنی: ازبک، ایماق، براهروی، بلوچ، پشتون، پشه یی.

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند یک نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند :

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 24, Issue No. 1015 , March 14, 2016, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax: (703) 491-6321 Cell: 571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هرچه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه جون ۲۰۱۶ ارسال دارند.

تلفون ۰۵۷۱-۴۳۵-۴۶۰۴
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

PHONE # (510) 792-2629

BANK OF AMERICA

ACCT # 06636-74303

خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.



PANAH CHARITY
P.O. BOX 3131
SAN RAMON, CA 94583
www.panahcharity.org
rbenish@panahcharity.org
501c (3)

افغانستان و ایران سه موافقتنامه امضا کردند

۹مارچ/ کابل - نور تی وی: سه موافقتنامه در بخشهای تبادلہ زندانیان، استرداد مجرمان و همکاریهای مدنی و کیفری میان افغانستان و ایران در سومین اجلاس همکاریهای کنسولی بین دو کشور در کابل به امضا رسید. مقام های وزارت خارجه افغانستان و ایران از توافقاتی که در سومین اجلاس همکاریهای کنسولی در کابل صورت گرفت سخن میگویند. نصیر احمد اندیشه معاون وزارت امور خارجه کشور میگوید سومین اجلاس همکاری های کنسولی میان افغانستان و ایران پر دستاورد است. بگفته آقای اندیشه، درین نشست سه موافقتنامه در بخش های تبادلہ زندانیان، استرداد مجرمان و همکاریهای مدنی و کیفری بین دو کشور به امضا رسید. براساس این موافقتنامه ها ایران حکم اعدام ۲۸ زندانی افغانستان را لغو کرده است. حسن قشقاوی معاون وزارت خارجه ایران گفت کشورش از اقداماتی که از سوی افغانستان برای تأمین صلح صورت میگیرد پشتیبانی میکند. هم اکنون ۵۰ هزار دانش آموز افغانستانی در مکتهای ایران مصروف آموزش اند. معاون وزیر خارجه ایران میگوید در چند سال گذشته ۱۷ هزار دانشجوی افغانستانی در مقاطع مختلف از دانشگاههای این کشور فارغ شده اند و هم اکنون دوازده هزار دانشجو دیگر در ایران در بخشهای مختلف تحصیل می کنند .

انتقاد فعالان حقوق زن از رهبران حکومت

۸مارچ/ کابل - نور تی وی: شماری از بانوان به مناسبت هشتم مارچ روز جهانی زن از آزار و اذیت زنان در محیط کار شکایت میکنند و می گویند رهبران حکومت وحدت ملی توجه لازم به حل مشکلات زنان ندارند. نهاد دیدبان رسانه های آزاد در هماهنگی با شماری از فعالان مدنی از هشتم مارچ بزرگداشت کردند. آنان میگویند روز جهانی زن در افغانستان به گونه نمایشی برگزار میشود. شکر به عباسی فعال حقوق زن میگوید هنوز آزار و اذیت زنان در محیط کار نشان وجود دارد. او انتقاد میکند که رهبران حکومت وحدت ملی تاحال نتوانسته اند مشکل زنان را حل کنند. صدیق الله تو حیدی مسئول اداره حمایت کننده رسانه های آزاد بر سهم گرفتن بیشتر زنان در عرصه های سیاسی و اجتماعی تأکید می کند. در افغانستان از روز جهانی زن در حالی بزرگداشت میشود که هنوز هم خشونت ها علیه زنان ادامه دارد و نهاد هایی که در این راستا فعالیت می کنند تا هنوز در مهار خشونت علیه زنان ناکام بوده اند .

شورای موقت طبی افغانستان افتتاح شد

اول مارچ/ کابل - نور تی وی: شورای موقت طبی در کابل افتتاح شد. فیروز الدین فیروز روز بر صحت عامه میگوید اعتماد نداشتن بیمار به داکتر و نظام صحتی سبب شده تا شماری از شهروندان برای تداوی به خارج بروند. او افزود که امیدوار است با ایجاد این شورا داکتران بتوانند کیفیت خدمات صحتی را بلند ببرند. فریده مومند وزیر تحصیلات عالی نیز از آغاز پرسشهای ارزیابی و معیاری سازی نصاب درسی دانشگاههای طبی در سراسر کشور خبر می دهد. بانو مومند میگوید وزارت تحصیلات عالی در نظر دارد نصاب درسی دانشگاههای طبی را با معیارهای جهانی عیار کند. نسرین اورباخیل وزیر کار و امور اجتماعی، شهید و معاونین از تطبیق نشدن قانون کار در سکور صحت انتقاد میکنند و میگویند برای حمایت از سیستم صحتی و عرضه خدمات با کیفیت، باید قانون کار تطبیق شود. در حالی از بلند بردن کیفیت خدمات و تعلیمات صحتی در کشور سخن گفته میشود که به اساس آمارها سالانه شهروندان کشور بیش از ۳۰۰ میلیون دالر برای تداوی در بیرون از کشور مصرف می کنند.

کودک انتحاری در قندز بازداشت شد

اول مارچ/ کابل - نور تی وی: یک کودک که قصد انجام حمله انتحاری در ولسوالی دشت ارچی و ولایت قندز را داشت، از سوی پلیس بازداشت شد. محمد قسیم جنگل باغ فرمانده پلیس ولایت قندز می گوید این کودک باشنده اصلی ولایت فاریاب است و از چندی به اینسو در یک مدرسه دینی در روستای قچی ولایت قندز مصروف آموزش بوده است. به گفته آقای جنگل باغ این کودک قصد حمله بر نیروهای امنیتی را داشت. از سوی هم فرمانده پلیس قندز میگوید در جریان عملیات دیشب در ولسوالی دشت ارچی هم فرد طالبان کشته شدند که در میان شان یک فرمانده مشهور آنان نیز شامل است.

بدخشانیان خواهان آغاز کار بند برق شورابک شدند

۱۰مارچ/ کابل - باختر: باشندگان مرکز ولایت بدخشان امروز طی تظاهراتی وسیع خواهان آغاز کار بند برق شورابک شهر فیض آباد شدند. آنان در حالیکه اربکینهار باخود حمل مینمودند طی شعارهای از حکومت وحدت ملی خواهان آغاز کار دوباره کار بند برق شورابک شدند. سعدالله ابو امان رئیس شورای علمای ولایت بدخشان که در میان تظاهر کنندگان حضور داشت، گفت: ما خواهان آغاز کار پروژه بند برق شورابک شهر فیض آباد هستیم و هیچ پروژه بدیل نمیخواهیم، در بدخشان آب فراوان است و دریای کوچکی از شهر فیض آباد میگذرد. احمد بشیر صمیم رئیس شورای ولایتی بدخشان در جمع تظاهر کنندگان گفت: در دیداری که با وزیر انرژی و آب در کابل داشتیم، وزیر میخواست این پروژه را که با کمپنی ساختمانی ترکی عقد قرارداد شده به دلیل اضافه کاری در پروژه فسخ نماید. وزیر انرژی و آب پروژه های بدیل که شامل برق حرارتی، سنگ زغال و سولری میباشد برای باشندگان شهر فیض آباد وعد داده است که قابل قبول آنان نمیباشد.

سید عمر باهر فعال مدنی میگوید: مردم بدخشان از سالیان متمادی منتظر تکمیل بند برق شورابک بوده و رهبران حکومت وحدت ملی در جریان فعالیتهای انتخاباتی شان به مردم آن ولایت وعده ایجاد بند برق شورابک را داده اما به فراموشی سپرده اند. مردم خواهان آغاز کار این پروژه از جانب حکومت وحدت ملی میباشد .

دراخیر قطعنامه که از سوی تظاهر کنندگان ارایه گردیده در قسمتی از آن آمده: از زغال سنگ و سولر یزاریم . ما از حکومت وحدت ملی میخواهیم الی ۵ حمل سال ۱۳۹۵ کار دوباره پروژه بند برق شورابک را آغاز کند، در غیر آن صدای خود را بلند کرده، دست به نافرمانی های مدنی خواهیم زد.

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید.

مطمئن باشید از شما ممنون می شوند .

کار پروژه بند برق شورابک که ظرفیت تولید ۷ اعشاریه ۲ میگوات برق را دارد به هزینه ۳۳ میلیون یورو از سوی آلمان با کمپنی سیگا ترکی، درشش کیلو متری شهر فیض آباد بالای دریای کوچکی آغاز و کار آن ۱۰ درصد انجام شده، امادرین اواخر بدلیل بوجود آمدن اضافه کار در پروژه معطل و قراردادی خواهان ۱۹ میلیون یورو برای اضافه کاری گردیده و دولت آلمان آماده پرداخت پول متذکره است، اما پروژه از سوی وزارت انرژی و آب بدلیل بیشتربودن پول اضافه کاری که مخالف قانون تدارکات میباشد، معطل قرار داده شده است .

غنی احمدزی در ایجاد وحدت ناکام مانده است

۴مارچ/ واشنگتن - صدای امریکا: کارلو تا گال، خبرنگار روزنامه نیویارک تایمز که برای بیش از یک دهه در افغانستان مصروف تهیه گزارش بوده، میگوید با در نظر داشت آنچه در افغانستان میگذرد، رئیس جمهور آنگشور برای ایجاد وحدت در افغانستان ناکام مانده است و این مایوس کننده میباشد. گال افزود: او (رئیس جمهور غنی) شخص زیرک است؛ در مورد نظریات خود بسیار مطمئن است و حماقت را تحمل نمی کند. افغانستان یک کشوری است که شما باید هر کس را دخیل سازید .

خانم کارلو تا گال، نویسنده کتاب (دشمن غلط) یا The Wrong Enemy که روز پنجشنبه در مرکز مطالعات استراتژی یک و بین المللی در شهر واشنگتن دی سی در میان شماری از خبرنگاران و پژوهشگران صحبت میکرد گفت در مقایسه با آقای غنی، حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین افغانستان، بیشتر قادر بود مردم را گرد هم جمع کند. خانم گال گفت: کرزی در راستای آوردن همه زیر چتر یک خیمه تبحر داشت، همه را دخیل میساخت، بیشتر مثل یک شورا عمل می کرد تا مثل یک آمر. اطمینان حاصل می کرد که حرف همه شنیده شده است و یا حداقل و انمود می کرد که سخن همه شنیده شده است. به نظر می رسد که اشراف غنی در این راستا ناکام مانده است. برای مقابله با شورشیان شما همه در گرد مین با خود داشته باشید و مردم در همه قریه ها در کنار خود داشته باشید. او درین راستا ناکام بوده و حتی با داکتر عبدالله، رئیس اجراییه اش بسیار خوب کار نمی کند. خانم گال این اظهارات را در حالی بیان می کند که گفتگو های صلح چهار جانبه میان افغانستان، پاکستان، ایالات متحده و چین درین اواخر، جدی تر شده است. اما این نویسنده غربی میگوید که هرگاه افغانستان از حمایت جدی کشورهای غربی برخوردار نباشد دخیل شدن در این گفتگو برای افغانستان، مفید واقع نخواهد شد.

به اساس گفته مقامهای افغان، قرار است مذاکرات مستقیم بین نمایندگان حکومت افغانستان و گروه طالبان تا چند روز دیگر برگزار گردد. با وجود شک و تردید در مورد ایجاد وحدت در افغانستان، رئیس جمهور غنی در جریان مبارزات انتخاباتی و پس از آن هواره تأکید بر مشارکت و اجماع ملی در مسایل عمده کرده است.

در آخرین اظهارات در میان شماری از اعضای شورای ملی و اعضای کابینه افغانستان، آقای غنی خواهان هماهنگی بیشتر میان قوای سه گانه دولت شد و گفت: (به حیث رئیس هر سه قوه، تعهد من این است تا تعادل لازمه را بین آنان رعایت کنم و دسترسی کامل به هر سه قوه فراهم خواهد شد تا مسایل ملی و خدمات برای مردم تأمین شود و فضای همکاری همه جانبه بین سه قوه وجود داشته باشد).

برای آغاز مذاکرات صلح، هم حکومت و هم گروه طالبان از خود پیش شرط ها گذاشته اند. حکومت افغانستان از طالبان میخواهد سلاح شان را به زمین بگذارد، قانون اساسی افغانستان را قبول کند و رابطه خود را با گروههای القاعده و شبکه حقانی قطع کند، خواستی که تا اکنون از سوی طالبان پذیرفته نشده است. گروه طالبان نیز به نوبه خود پیش شرط دارد: تعیین زمان خروج قوای بین المللی از افغانستان و تغییر در قانون اساسی آن کشور، از جمله پیش شرطهای عمده طالبان بشمار میرود، و شروطیکه حداقل تاحال مورد پذیرش حکومت افغانستان نیست. شجاع نواز، یک عضو برجسته شورای اتلانتیک، در مرکز مطالعات استراتژی یک و بین المللی در شهر واشنگتن دی سی گفت هرگاه رئیس جمهور افغانستان قبل از آغاز مذاکرات برای گروه طالبان امتیازات بدهد، حمایت مردم به خصوص جوانان را از دست خواهد داد. نواز افزود: (فکر می کنم در چنین حالت، بازی خاتمه میابد. و شماری زیادی از جوانان مایوس خواهند شد و از حکومت فرار خواهند کرد).

کارشناسان امور افغانستان به این باور اند که اقدامات حکومت افغانستان زمانی می تواند در مسایل عمده موثر واقع گردد که نظریات و خواست های طیف های مختلف آن کشور به گونه در نظر گرفته شود، در غیر آن به دست آوردن نتایج مطلوب دشوار به نظر می رسد. /

دنباله از ستون سوم: بعد سخنان پروفیسر حیدرزاده صدای خودش بدین شرح پخش شد: [من وقتی سال اول (به امریکا) آمدم، کوشش میکردم یک لقمه نان سر میزیارم آبرومندان، اصلاً فکر نمی کردم که من یک هنرمند هستم. یک مجسمه ساز هستم، چه کاره هستم. یک روز از جای تیر میشدم، دیدم که در داخل تمام مجسمه هاست، من حیران ماندم که این چیست (صفحه هفتم)]

محمد ضیاء ضیاء

قدردانی از داکتر حق شناس

۲۰ فبروری/سدنی - هفته نامه افق: به منظور قدردانی از دانشمندان، هنرمندان و فرهنگیان کشور، محفل آزسوی انجمن همکاری افغانهای نیوساوت ویلز بخاطر قدردانی از محقق، تاریخ نویس و شاعر ارجمند داکتر شیر احمد نصری حق شناس در تالار فرهنگی آن انجمن تدویر شد. درین محفل عده از فرهنگیان، فرهنگ دوستان و علاقمندان به شمول خانواده آقای حق شناس اشتراک ورزیده بودند .



دانشمند بزرگوار جناب داکتر شیر احمد نصری حق شناس با لوح تقدیر یکن از مسئولین برگزاری به هفته نامه افق گفت: محفل باتلاوت قرآن کریم آغاز و متعاقباً آقای اعظمی رئیس انجمن به حاضرین خیر مقدم گفت، سپس آقایان انجنیر عزیز دقیق، محمد عمر وردک، داکتر یاسر وحید، نجیب نصری و بلال سنگی بالونبه به خوانش زندگینامه، برجسته سازی ارزشمندیهای آثار، توضیح مختصر آثار و به خوانش گرفتن اشعار و منظومه های داکتر حق شناس پرداختند. در جریان محفل پیامها و شادبشاهای آقای مسعود خلیلی سفیر افغانستان در اسپانیا از طریق اسکایپ و پیام کتبی پروفیسر رسول رهین سابق استاد دانشگاه کابل توسط انجنیر فرید فایز قرائت گردید.

داکتر یاسر تعداد آثار چاپی داکتر حق شناس را یازده عنوان تذکره کرد که از جمله تحولات سیاسی جهاد افغانستان در چار جلد/چاربار، همچنان تصویر برروس در آینه تاریخ و دسایس و جنایات روسها در افغانستان هر کدام دوبار تجدید چاپ شده اند و اینک کتاب بزرگ جامع الکلام را در دوازده جلد آماده چاپ کرده اند. طی این محفل آقای خلیل نصری فرزند داکتر حق شناس از سوی پدر و خانواده داکتر حق شناس مراتب تشکر و سپاس شان را به حاضرین و بخصوص به برگزار کننده های برنامه ابراز کرد .

دراخیر آقای اعظمی تحایف و تقدیر نامه ایرا که از سوی انجمن تهیه شده بود، توسط الحاج داکتر محرابی به داکتر حق شناس تقدیم کرد. محفل که حوالی هفت شام آغاز شده بود تا ده شب خاتمه یافت. (برگرفته از سایت خاوران)

نظری بر کارهای هنری حیدرزاد، پیکر تراش افغان

صدای امریکا: امان الله حیدرزاد نخستین پیکر تراش افغانستان است که تحصیلات مسلکی اش را طی دهه ۶۰ میلادی در شهر روم ایتالیا، در رشته پیکر تراشی مدرن به پایان رسانده است. او بنیانگذار بخش هنرهای زیبای دانشگاه کابل است. حیدرزاد که در حال حاضر در ایالات متحده زندگی میکند، عضو انجمن پیکر تراشان و رئیس انجمن مدال سازان ایالات متحده نیز میباشد .



یک تالار دانشکده هنرهای زیبای کابل قبلاً بنام استاد حیدرزاد مسما شده بود پروفیسر امان الله حیدرزاد، در یک مصاحبه با تلویزیون آشنای صدای امریکا شرکت کرد. متن گزارش (ویدیویی) چنین است: [این موزیم اتنوگرافی افغانستان است که در شهر نو کابل موقعیت دارد. بخشی ازین موزیم به نمایش آثار امان الله حیدرزاد، هنرمند معروف افغانستان اختصاص یافته است.] سپس گوینده برنامه متن پاراگراف بالای این گزارش را ارائه کرد. (ستون دوم)